

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان



توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

نوشته : احمد قربانی

۳	<u>مقدمه</u>	<u>(۱)</u>
۴	<u>بررسی تجارت خارجی</u>	<u>(۲)</u>
۱۳	<u>وضعیت کلی آب و مواد غذایی در ایران</u>	<u>(۳)</u>
۱۹	<u>تولیدات کشاورزی در ایران</u>	<u>(۴)</u>
۲۲	<u>دانشگاه ها و تولیدات صنعتی</u>	<u>(۵)</u>
۲۶	<u>تأمین مالی و سرمایه</u>	<u>(۶)</u>
۳۳	<u>منبع تأمین کسری بودجه دولت</u>	<u>(۷)</u>
۳۷	<u>تبیین مفاهیم اسلامی در مورد تأمین سرمایه</u>	<u>(۸)</u>
۴۲	<u>طراحی سیستم مالی اسلامی</u>	<u>(۹)</u>
۴۷	<u>بررسی عملکرد نهاد بورس</u>	<u>(۱۰)</u>
۵۰	<u>فضای کسب و کار در ایران</u>	<u>(۱۱)</u>

مقدمه

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای در پیام خود به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۱، سال جدید را سال «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» نام گذاری کردند.

در این نوشتار راهکارهای مختلف جهت افزایش اشتغال و تولید دانش بنیان جستجو می گردد. به همین منظور سعی شده تا یک بسته سیاستی برای تحقق اهداف تدوین شود. این بسته حمایتی، طرف عرضه اقتصاد را هدف گذاری کرده است. چون بنظر می رسد، سیاست های اعمالی در طرف تقاضای اقتصاد، تأثیر گذاری کمتری بر تولید و اشتغال داشته باشد..

روش بررسی در این نوشتار توصیفی، اسنادی است. همانطور که همگان می دانند، علم اقتصاد، ابتدا مسائل را بصورت توصیفی عنوان و سپس برای اجرا سعی می کند، شواهد آماری را جمع آوری و با تخمین یک سری الگوهای ریاضی، روابط اجزاء اقتصاد را مشخص کند. از این طریق، سیاست های اعمالی با کنترل اجزاء اقتصاد به اجرا در می آیند. بدیهی است در صورتیکه، شواهد آماری جمع آوری نگردد و الگوهای ریاضی در اقتصاد مشخص نباشد، رفتار اجزاء مختلف اقتصاد مبهم می باشد. در نتیجه، هر سیاست و یا حرکتی از طرف مسئولین، وضعیت اقتصادی کشور را اسفبارتر و بدتر می کند.

لذا در این نوشتار، مسائل و مشکلات بصورت توصیفی عنوان شده است، ولی، اگر بخواهیم، این سیاست ها را اجرایی کنیم، بناچار جمع آوری شواهد آماری و تخمین الگوهای ریاضی ضرورت دارد. از آنجایی که جمع آوری آمار و تخمین الگوی ریاضی، هزینه بالایی دارد، و این امر زمانی ممکن است که مسئولین دولتی تصمیم به اجرای آن گرفته باشند، و هزینه آنرا تقبل کنند. در غیر اینصورت تقبل این هزینه برای کسانی که در دولت حضور ندارند، بدلیل عدم دسترسی به آمارهای مختلف و مشکلات جنبی دیگر امکان پذیر نیست. از طرفی اگر به فرض محال کسی بخواهد با تمام این مشکلات، و تقبل هزینه های مختلف، شواهد آماری را جمع آوری و

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

الگوهای ریاضی را تخمین بزند، بدلیل عدم استفاده مسئولین دولتی، این هزینه ها به نوعی اسراف محسوب می شود.

مطالعه طرف عرضه اقتصاد بصورت توصیفی، به بررسی قوانین حاکم بر دستگاه های اجرایی و عملکرد، بخش های اقتصادی کشور می پردازد که به شرح زیر می باشد.

بررسی تجارت خارجی

مهمترین عامل کاهش تولید در سالهای اخیر، تحریم های ظالمانه ای است که کشورهای غربی بر علیه کشور ایران اعمال کرده اند. تحریم ها، اختلال و توقف تجارت خارجی کشور را هدف گذاری کرده است. این تحریم ها موجب شده تا رابطه کشور ایران با کشورهای خارجی از حالت عادی خود خارج شود. در حالت عادی هر واحد تولیدی، قسمتی از نیازهای خود را وارد و کالاهای مازاد بر تقاضا را به خارج کشور صادر می کند. شیوه این کار با کمترین هزینه انجام می گرفت. در حالت عادی هر کارخانه و یا واحد تولیدی برای واردات کالای مورد نیاز خود، در اینترنت جستجو های لازم را انجام می دهد. از این طریق ارائه دهندگان کالاها و خدمات مورد نظر شناسایی می شود. سپس وارد کننده با ارائه دهندگان کالا وارد مذاکره می شود. پس از موافقت، صادر کننده، پروفورما و یا همان مشخصات و قیمت کالا را برای وارد کننده می فرستد. وارد کننده این مدارک را به بانک مرکزی برای باز شدن اعتبار می برد. بعد از موافقت بانک مرکزی، بانکهای عامل مبلغ کالای مورد نظر را از وارد کننده دریافت و ضمانت نامه ای مبنی بر پرداخت پول برای صادر کننده کالا ارسال می کند. صادر کننده کالا بعد از رؤیت ضمانت نامه، کالای مورد نظر را بارگیری و به گمرک کشور وارد کننده تحویل می دهد. صادر کننده بعد از دریافت رسید از گمرک کشور وارد کننده، به بانک مراجعه و پول خود را دریافت می کند. وارد کننده هم کالاهای خود را از گمرک ترخیص می کند.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

تولید کننده برای صادر کردن کالا سعی می کند کالاهای خود را در بازارهای بین المللی تبلیغ کند. و رویه آن معکوس کالای وارداتی است، که در بالا توضیح داده شد.

با این فرایند، صادرات و واردات کالا، برای تولید کنندگان بسیار آسان و کم هزینه است. ولی وقتی تحریم ها اعمال می شود. این سیستم دیگر نمی تواند بدرستی کار کند. لذا بعد از تحریم، بازرگانان مجبور شدند به کشورهای خارجی سفر کنند و کالاهای مورد نیاز را از کشور خارجی خریداری و بعد از تحمل مشکلات مختلف آنرا به گمرک ایران برسانند. از طرفی مجازات صادر کنندگان کالا به ایران توسط آمریکا باعث شده تا بازرگانان کشورهای خارجی هم سعی کنند، هیچ گونه سند، یا فاکتوری برای کالاهای فروش رفته خود صادر نکنند. لذا کالاهایی که وارد گمرک ایران می شود، هیچ شناسنامه ای ندارد. وارد کننده با روش " خود اظهاری"، مشخصات کالای خود را اظهار می کند. بعد از این گمرک موظف است، مشخصات کالا را با مشخصات خود اظهاری مقایسه کند. این یک پروسه اضافی در گمرک بشمار می رود. در بسیاری از موارد این پروسه ماهها طول می کشد. لذا موضوع دپوی کالاهای وارداتی در گمرک، فساد کالاها در گمرک، زیاد به چشم می خورد. بطور مثال در سال گذشته قسمتی از مواد اولیه روغن وارد گمرک شده بود. کارخانجات روغن خوراکی هم نیاز شدیدی به این کالاها داشتند ولی ماندگاری آن در گمرک باعث تعطیلی کارخانجات روغن خوراکی و کمبود آن در بازار کشور شد.

مشکل دیگری که تحریم ها بوجود می آورد، مشکل تخصیص ارز است. در حالت عادی، بانک مرکزی می داند برای واردات چه کالایی ارز تخصیص می دهد. ولی در حالت تحریم، وارد کننده اظهار می کند که می خواهد کالایی را وارد کند. مقداری ارز از شبکه بانکی دریافت می کند؛ ولی در عمل ممکن است هزاران اتفاق برای وارد کننده بیافتد.

در حالت عادی دولت، واردات و صادرات، را از طریق بانک مرکزی کنترل می کرد. ولی بعد از تحریم ها عملاً این کنترل از بین رفت. یعنی دولت نمی تواند واردات و صادرات کشور را از طریق بانک مرکزی کنترل کند.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

حال اگر دولت بخواهد، بر واردات و صادرات کنترل داشته باشد. مجبور است، تشکیلات دیگری برای اینکار بوجود آورد.

بر همین اساس دولت قبلی سعی کرد وزارت بازرگانی را دوباره احیا کند.

پیشنهاد دولت برای تشکیل وزارت بازرگانی در مجلس شورای اسلامی رأی لازم را نیاورد. لذا مشکل دولت سر جای خودش باقی ماند. در حال حاضر، وضعیت امور بازرگانی در کشور کاملاً رها شده است. اعتراضات و تذکرات مسئولین مختلف کشور این امر را به خوبی اثبات می کند. موارد زیر بعنوان مستندات ارائه می شود.

قسمت بازرگانی خارجی کشور کاملاً رها و به یک ابزار مخرب در اقتصاد ایران تبدیل شده است. اتفاقات عجیب و غریبی در کشور رقم می خورد، بطور مثال وقتی کشور در حالت تحریم بسر می برد، پس ارز کمی برای خرید کالای خارجی وجود دارد. ولی مشاهده می شود، واردات کفش، کیف و البسه بطور وفور، وارد کشور می شود، بطوریکه کلیه صنایع مرتبط به کفش، کیف و البسه، ورشکست شده اند. در حال حاضر حدود ۲ میلیون شاغل در بخش تولید کیف، کفش و البسه فعالیت می کنند. توقع این است که این بخش در حالت تحریم فعالیت کند، کیف و کفش و البسه بیشتری تولید، و با صدور آن ارز بیشتری به کشور وارد شود. ولی با کمال تعجب شاهد ورشکسته شدن کارخانه های ابریشم بافی، پارچه بافی، صنایع چرم هستیم. کشاورزان پنبه کار، پنبه کاری را رها کرده اند. پوست گوسفند و گاو، بی ارزش شده است، ولی از آن طرف شاهد وفور کیف و کفش و البسه خارجی در بازار هستیم.

بازار گوشت مرغ و گوشت قرمز هیچ گاه ثبات نداشته است. دائم در حال نوسان است.

هر روز قیمت ارز در حال نوسان و گران شدن است.

صنایع خودرو سازی بالای ۹۰ درصد قطعات را در داخل کشور تولید می کنند. کمتر از ۱۰ درصد قطعات (

حدود ۳۰ تا ۴۰ قطعه از خارج وارد می شود. این امر باعث شده این صنایع به حالت نیمه تعطیل درآید. در

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

این بخش حدود ۶ میلیون نفر شاغل فعالیت دارند. این بخش در حالت نیمه تعطیل است و قیمت خودرو هر

روز افزایش می یابد. به عبارت دیگر هم تولید کاهش یافته و هم بیکاری افزایش یافته و ثبات قیمت هم در

کشور از بین رفته است.

موارد دیگری هم وجود دارد.

با یک حساب سر انگشتی که در بالا به آن اشاره شد می توان دریافت که تحریم ها باعث از بین رفتن حداقل ۸

میلیون شغل شده است. به عبارت دیگر اشتغال کشور هم کاهش یافته است.

با این وضعیت راه حل چیست؟

تشکیل وزارت بازرگانی که امکان پذیر نیست ولی حداقل می توان یک نفر را بعنوان مسئول تجارت خارجی

تعیین کرد.

در کشور ایران اگر یک نفر بعنوان مسئول تجارت خارجی وجود داشته باشد. بطور طبیعی این فرد می تواند، با

ممنوعیت واردات کیف و کفش و البسه و لوازم خانگی ، کارگاههای تولیدی کشور را فعال کند. در ضمن سعی

می کند ، بگونه ای آن ۳۰ تا ۴۰ قلم قطعه خودرو که در داخل تولید نمی شود را ابتدا از طریق واردات تأمین و

سپس زمینه تولید داخل آنرا در کشور فراهم کند. این اقدام موجب می شود ، تا ۶ میلیون شاغل در کارخانجات

تولید خودرو و قطعات آن فعال بشوند. در نتیجه به راحتی می تواند اشتغال در کشور را تثبیت کرد. به عبارت

دیگر با متولی داشتن تجارت خارجی هم می توان اشتغال را افزایش داد و هم شرکتهای دانش بنیان را در

صنایع مختلف فعال کرد تا قطعاتی که در داخل تولید نمی شود را در داخل تولید کنند. ولی در کشور ایران

هیچ مدیریتی برای ساماندهی به تجارت خارجی وجود ندارد.

البته اگر بخواهیم انتقاد خود را ادامه دهیم می توان صدها صفحه از این طنزهای تلخ استخراج کرد. ولی انتقادهای

راها و به یک پیشنهاد در این مورد اکتفا می شود.

دولت جدید برای کنترل صادرات و واردات کشور و هم چنین بازرگانی داخلی کشور باید اصلاح قانون بازرگانی داخلی و خارجی را به مجلس ببرد.

در قانون نیاز نیست حتماً یک وزارت خانه به نام وزارت بازرگانی تأسیس شود. بلکه می تواند با تغییراتی در سازماندهی و اصلاح قوانین، وضعیت بازرگانی کشور را سرو سامان بخشید.

در کشورهای مختلف برای سازمان دهی خدمات بازرگانی، سیستم های متناسب با وضعیت کشور پایه ریزی می کنند. گاهی برای امور بازرگانی یک وزارتخانه مستقل راه اندازی می کنند. در بعضی از کشورها، امور بازرگانی خارجی در وزارت خارجه قرار دارد. بطور کلی، چه سیستمی بر کشور حاکم باشد اهمیت ندارد. بلکه مهم کارآمدی سیستم است. اگر تغییراتی در سیستم انجام گرفت، الزاماً کارآمدی سیستم باید افزایش یابد. اگر کارآمدی کاهش یابد، وظیفه نهاد تصمیم گیر است که دوباره تحولی جدید در سیستم ایجاد کند.

اگر تصمیم گیران مجلس شورای اسلامی به این نتیجه رسیده اند که قرار نیست وزارت بازرگانی تشکیل شود. پس تشکیلات دیگری باید پایه ریزی کنند: این وضعیت رها شدگی بازرگانی داخلی و خارجی به نفع کشور نیست.

پیشنهاد سیستم بازرگانی در ایران

برای رفع مشکل، بازرگانی داخلی و خارجی یک سیستم پیشنهاد می شود. البته این سیستم منحصر بفرد نیست می توان سیستم های دیگری هم تعریف کرد. ولی برای خالی نبودن عریضه یک سیستم پیشنهاد می شود.

پیشنهاد می شود. در پنج وزارتخانه، معاونت بازرگانی راه اندازی شود و یک شورای عالی بازرگانی در رأس آن قرار گیرد. این معاونت ها عبارتند از

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

معاونت تجارت خارجی در وزارت خارجه ، این معاونت شامل چهار اداره کل بنام اداره کل تجارت خارجی

محصولات صنعتی و معدنی ، اداره کل تجارت خارجی محصولات کشاورزی ، اداره کل تجارت خارجی دارو و

تجهیزات پزشکی و در انتها اداره کل تجارت خارجی محصولات نفت و پتروشیمی

معاونت بازرگانی و تنظیم بازار داخلی محصولات صنعت و معدن در وزارت صنعت و معدن

معاونت بازرگانی و تنظیم بازار داخلی محصولات غذایی در وزارت جهاد کشاورزی

معاونت بازرگانی و تنظیم بازار داخلی دارو و تجهیزات پزشکی در وزارت بهداشت و آموزش پزشکی

معاونت بازرگانی و تنظیم بازار داخلی نفت و محصولات پتروشیمی در وزارت نفت

شورای عالی بازرگانی مرکب، از ریاست محترم جمهوری ، معاون اول ریاست جمهوری ، ریاست محترم قوه

قضائیه ، یک نفر نماینده مقام معظم رهبری ، پنج معاون وزیر فوق الذکر و پنج نفر از نماینده های مجلس

شورای اسلامی

لذا هر چه سریعتر پیشنهاد فوق الذکر یا هر پیشنهاد دیگری باید در مجلس مطرح و کلیات آنرا مجلس محترم

شورای اسلامی تصویب و اجرا کند. تا مشکلات کشور کمتر شود.

مسئله دیگری که در تجارت خارجی مهم است. مسئله نقل و انتقال پول با کشورهای خارجی است.

اگر مسئولیت تنظیم تجارت خارجی کشور به وزارت خارجه سپرده شود ، موضوع تبادل پولی بین کشور ایران و

سایر کشور ها نیز باید حل و فصل شود.

در حال حاضر بانکها و بانک مرکزی هم تحریم است. علاوه بر تحریم ، موضوع پیوستن سیستم پولی کشور به

(یا گروه ویژه Financial Action Task Force مخفف (FATF هم مطرح است . کلمه FATF

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

اقدام مالی است. این گروه یک سازمان بین دولتی است که در سال ۱۹۸۹ با ابتکار گروه هفت و با نگرش به سیاست های توسعه برای مبارزه با پول شویی شروع بکار کرده است. این سازمان در سال ۲۰۰۱ کار مبارزه با تأمین مالی تروریسم را نیز عهده دار شده است.

در گذر زمان، فعالیت های این گروه گسترده تر شد و در نتیجه در سال ۲۰۱۲ مقابله با تأمین مالی فعالیت های اشاعه ای نیز به مأموریت این گروه افزوده شد. در همین سال، ویرایش جدیدی از این قانون ارائه شد که توصیه های خود را برای مقابله با جرایم مالی (تأمین مالی تروریسم، تأمین مالی فعالیت های اشاعه ای، پولشویی و غیره) در آن گنجانده شده است. عنوان این توصیه نامه «استانداردهای بین المللی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و اشاعه گری» است.

این گروه میزان پیشرفت کشورهای عضو در زمینه پیاده سازی، توصیه های این گروه را رصد می کند. همچنین پیشرفت تصویب و اجرای توصیه های گروه در سطح جهان را نیز نظارت می کند. بر اساس همین رصد و نظارت، گروه کاری اقدام مالی کشورها را به چهار دسته تقسیم کرده است.

۱ - کشورهای استاندارد: کشورهایی هستند که از نظر این گروه کاملاً توصیه های این سازمان را اجرا و کارهای آنها منطبق با استاندارد گروه است.

۲- کشورهای در حال پیشرفت: کشورهایی هستند که در حال پیشرفت و تطبیق با استانداردهای مشخص شده هستند.

۳- کشورهای غیر همکار : کشورهایی هستند که همکاری با این گروه نداشتند و بنابراین از نظر گروه، آنان کشورهای دارای خطر پولشویی و تأمین مالی تروریسم هستند. ولی سازمان اقدام متقابلی علیه آنها انجام نمی دهد .

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

۴- کشورهای در لیست سیاه : کشورهایی هستند که علاوه بر اینکه در خطر پولشویی و تأمین مالی تروریسم هستند . این سازمان بر علیه آنها اقدامات متقابل هم انجام می دهد.

را پذیرفته و به FATF اکنون در میان ۱۹۰ کشور موجود، ۱۸۸ کشور جهان حداقل دو کنوانسیون اساسی اجرا گذاشته‌اند، اما ایران و کره شمالی به دلیل نپذیرفتن هیچ کدام از کنوانسیون‌های آن، در فهرست سیاه قرار گرفته اند.

هیچگونه تحریم رسمی را با خود به FATF فهرست سیاه بر اساس قوانین حقوق بین الملل ، قرار گرفتن در موجب فشارهای مالی مختلفی به آن FATF همراه ندارد، ولی عملاً قرار گرفتن کشوری در فهرست سیاه کشور می شود.

هنگامی که نام کشوری در فهرست دولت‌های غیرهمکار و مناطق پرخطر گروه اقدام مالی قرار داشته باشد، بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری مهم جهان، در برخورد با بانک‌ها و شرکت‌های آن کشور، نهایت احتیاط را به خرج می‌دهند و گاه به همین دلیل از برقراری روابط با آن کشور خودداری می‌کنند.

اضافه شد. در همان زمان این گروه بیانیه ای صادر FATF در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۹۸ ایران به فهرست سیاه نمود و از همه کشورها خواست، تا اقدامات مقابله‌ای را در مبادلات مالی با ایران بکار بگیرند و مطمئن شوند که خطر پولشویی و تأمین مالی تروریسم از درون نظام بانکی ایران دامن سیستم مالی آن کشورها را نگیرد.

برجام است. در یکی از نهادهای ناظر بر اقدام‌های مالی ایران پس از امضای FATF از طرف دیگر گروه برجام قرار بر این بود که ایران در مقابل تعلیق قسمتی از فعالیت های هسته ای ، کلیه تحریم ها بر علیه کشور هیچ ربطی به برجام ندارد. قبل از دولت روحانی ، این موضوع به FATF برداشته شود. البته پذیرش صورت لایحه ای به مجلس ارائه شد. مجلس وقت هم آنرا تصویب کرد. مصوبه مجلس به شورای نگهبان رفت.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

شورای محترم نگهبان چندین اشکال قانونی بر آن گرفت و در انتها به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت.

مجمع تشخیص مصلحت نظام با آن مخالفت نمود .

عمده مخالفت مجمع تشخیص مصلحت نظام به این لایحه، جنبه امنیتی دارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام بطور کلی معتقد است، در حال حاضر، کشور در حالت تحریم بسر می برد و همه منافذ مبادلات مالی و تجاری کشور توسط آمریکا بسته شده است. اندک مبادلاتی که با خارج از کشور انجام می گیرد، خارج از دید کشور قرار دهد و این FATF آمریکا، قرار دارد. حال اگر کشور، اطلاعات همین مبادلات اندک را در اختیار گروه گروه هم آنرا در اختیار کشور آمریکا قرار دهد، این امر باعث افزایش فشار تحریمی بر کشور می شود.

حال چه باید کرد؟

پیشنهاد روشن در این زمینه، بر این اساس استوار است که مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و اجرای در کشور موجب شفافیت نظام بانکی در کشور می شود. پس توصیه های این سازمان به FATF استانداردهای دو قسمت تقسیم شود. قسمت خارجی و قسمت داخلی، مجمع تشخیص مصلحت نظام با بندهایی از قوانین خارجی آن مشکل دارد. و هیچ مشکلی با اجرای قوانین داخلی آن ندارد. در ضمن اگر بتوان راه کاری پیدا کرد که مشکلات امنیتی که با کشورهای خارجی بوجود می آید را کاهش و یا از بین برد، می توان آنرا اجرا کرد.

موجب ارتقاء سیستم مالی کشور می شود. شفافیت مبادلات پولی در داخل FATF چون اجرای استانداردهای مسائل و مشکلاتی مانند اختلاس ها و تسهیلات بی مورد را مشخص می کند. اگر این دو موضوع در کشور حل و فصل شود می تواند تورم کشور را کنترل کرد. عمده علت تورم در کشور عدم شفافیت مبادلات پولی در داخل کشور است.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

در ضمن قرار نیست کشور همیشه در حالت تحریم باشد. در ضمن بسیاری از کشورها مثل چین، هند، روسیه،

در بانکها اجرا شده باشد بهتر می توانند با کشور ایران تجارت کنند. لذا FATF و حتی عراق اگر ضوابط

پیشنهاد می شود.

الف- مجمع تشخیص مصلحت نظام بندهایی که باعث مشکل برای کشور می شود را تصویب نکند ولی کلیات

آنها تصویب و ابلاغ نماید و یا با شروطی کلیات این طرح را تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ کند.

ب- این طرح در مجلس شورای اسلامی مجدداً مورد بازنگری قرار گیرد و بندهایی که موضوع مبادله اطلاعات به

کشورهای خارجی را مطرح می کند را از طرح بصورت موقت تعلیق نماید و لایحه بصورت اصلاح شده تصویب و

اجرا شود.

در کشور اجرا شود. به مرور زمان موضوع تحریم های کشور آمریکا کم رنگ FATF اگر استانداردهای گروه

خواهد شد، از طرفی برخی از کشورها وقتی اجرای قوانین مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را ببینند.

رغبت بیشتری به مبادله تجاری و پولی با ایران نشان خواهند داد. در نتیجه موجبات حذف تحریم های ظالمانه

آمریکا هموار خواهد شد.

وضعیت کلی آب و مواد غذایی در ایران

نیاز اولیه هر جامعه انسانی دسترسی به مواد غذایی سالم است. در نتیجه مهمترین قسمت تولید در منظر کلان

اقتصادی، تولیدات بخش کشاورزی و مواد غذایی است. به عبارت دیگر تأمین معیشت احاد یک جامعه، باید

دغدغه مسئولین یک کشور باشد. حال اگر تحریم ها بر علیه کشور ما وجود نداشته باشد. بصورت طبیعی،

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

بارش هایی در کشور انجام می گیرد. با توجه به میزان بارش، مواد غذایی در کشور تولید و کمبود آن از خارج وارد و یا اگر مازادی وجود داشته باشد، مقدار مازاد به کشورهای خارجی صادر می شود. ولی در شرایط تحریم، مشکلاتی در صادرات و واردات بوجود می آید. از طرف دیگر وضعیت متغیر آب و هوایی در ایران است. کمبود بارش منجر به کاهش تولید محصولات کشاورزی می شود. که در شرایط تحریمی، مشکلات کشور افزایش می یابد. تغییرات آب و هوایی را با یک مثال شروع می کنیم.

فرض کنید یک رودخانه در سرزمینی جاری است. میزان آب رودخانه ۱۰ واحد است. این رودخانه از ۱۰ شهر عبور می کند. و هر شهر یک واحد آب این رودخانه را مصرف می کند. در همه شهرها برای مصرف یک واحد آب مصرفی، سرمایه گذاری های مختلفی از جمله ایجاد صنایع، مزارع کشاورزی، دامداریها و تأمین آب شرب مصرفی مردم آن شهرها، بوجود آمده است.

ولی در یکسال بدلیل کاهش بارندگی میزان آب رودخانه از ۱۰ واحد به ۵ واحد کاهش می یابد. اولین اتفاقی که رخ می دهد، ۵ شهر ابتدای رودخانه هر کدام سعی می کنند یک واحد آب مصرفی خود را از رودخانه بردارند. در نتیجه پنج شهر انتهایی رودخانه بدون آب می مانند پس تولیدات پنج شهر از کاهش می یابد در صورتیکه تقاضا برای مواد غذایی سر جای خودش هست.

در کشور ایران میزان بارش بسیار متغیر است. در ابتدای سال ۱۳۹۸ بارندگی در غرب و شمال ایران بقدری زیاد بود که سیل، شهر، "آق قلا" در شمال را به زیر آب برد و صدمات فراوانی به شهرهای خوزستان وارد کرد. ولی در سال بعد، بارندگی چنان کم شد که مسئولین برای تأمین آب شرب منطقه خوزستان و اصفهان با مشکلات زیادی روبرو شدند.

این موضوع نه برای خوزستان و اصفهان، که برای تمام کشور ایران وجود دارد. این مسئله مربوط به زمان حال نیست بلکه در طول تاریخ اینگونه بوده است. تنش آبی، برای استان های دیگر، مثل استان سمنان هم وجود

داشته و دارد. یک زمانی میزان بارش در استان سمنان بقدری زیاد بوده که شهر بزرگی به نام صد دروازه در اطراف دامغان وجود داشته است. این شهر بقدری بزرگ بوده که مدتی بعنوان پایتخت ایران انتخاب شده. ولی هم اکنون ، بدلیل کاهش بارندگی امکان حضور جمعیت، در آنجا وجود ندارد. به عبارت دیگر تنش آبی در هزار و پانصد سال پیش باعث شده شهر بزرگی به نام صد دروازه خالی از سکنه شود.

یا در هفت هزار سال پیش، شهر بزرگی به نام شهر سوخته یا بقول فردوسی زابلستان در منطقه سیستان و بلوچستان وجود داشته، در آن زمان بارندگی در حوزه آبرگیر هامون زیاد بوده است. پس دریاچه هامون پر آب بوده است. مردم در کنار این دریاچه می توانستند، در تمامی فصول سال کشاورزی کنند. لذا شهر بزرگی در این منطقه بوجود آمد. لازم بذکر است در این منطقه همین حالا اگر آب باشد، آب و هوای منطقه بگونه است که می توان در هر چهار فصل، محصولات کشاورزی کشت و برداشت کرد.

کشت چهار فصل و آب فراوان موجب شده بود تا شهر پر جمعیتی در آن منطقه شکل بگیرد. ولی خشک سالی و کمبود بارش، در هزار سال اخیر باعث شده، امکان زندگی در ناحیه شهر سوخته وجود نداشته باشد.

مثال سوم: شهر آراتا در جنوب کرمان است. که یک مدت تمدنی بزرگ محسوب می شده. ولی هم اکنون، بارش باران اجازه حضور یک روستای کوچک را هم به اینجا نمی دهد.

مثال چهارم ، ناحیه تهران کنونی است. شهر تهران در شمال شهر ری ساخته شده است. شهر ری در قرن اول هجری یک شهر آباد بوده است. جمعیت زیاد و تولید انبوه گندم و جو در این ناحیه بگونه است که هر نویسنده ای در توصیف ناحیه ری، مطلبی نوشته است. همین شهر در قرون دوم و سوم، بدلیل کمبود بارش از رونق و آبادانی ساقط می شود. تولیدات گندم و جو این ناحیه کاهش و جمعیت آن رو به نقصان می رود. بطوریکه در تحولات قرن دوم و سوم هجری اصلا بحثی از شهر ری وجود ندارد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

دوباره در قرون چهارم و پنجم هجری، میزان بارش در این ناحیه افزایش می یابد. شهر آباد و پر جمعیتی دوباره متولد می شود. در این سالها شهر ری تبدیل به پایتخت سلسله آل بویه و سلجوقیان می شود.

مجدداً بدلیل کاهش بارندگی در قرون هشتم و نهم هجری که مقارن سلسله ایلخانیان و صفویه باشد دوباره شهر ری از رونق می افتد. شهر ری در قرون دهم به بعد که مقارن با حکومت سلسله افشاریه ، زندیه و قاجاریه باشد دوباره رونق می گیرد.

در پایان قرون سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم یعنی در سالهای ۱۲۹۸ الی ۱۳۰۲ میزان بارش در استان تهران و شهر ری کاهش یافت. بطوریکه قحطی بزرگی در این ناحیه رخ داد.

با این چهار مثال، نتیجه می گیریم، که همه شهرهای فعلی ایران ممکن است بدلیل کمبود بارش به سرنوشت شهر، صد دروازه ، آراتا و زابلستان دچار شود. و یا اینکه مانند شهر ری با افت و خیز های مختلفی روبرو شود. وقتی بارش باران کم می شود، تنش ها، جنگ ها ، اعتراضات و کشتارها بر سر تصاحب آب، دور از ذهن نیست.

پس انتظار بارش به مقدار معین در ایران یک انتظار بیهوده است. انتظار عمومی این است که ممکن است در یک نقطه باران بقدری زیاد ببارد که باعث وقوع سیل های ویرانگر شود و یا بقدری کم باشد که باعث خشک سالی شود. پس میزان بارش باران، در ایران بسیار متغیر است.

با این مقدمه ، حالا اصل مطلب شروع می شود. میزان بارش باران در هر منطقه میزان تولیدات مواد غذایی را معین می کند. اگر میزان بارش متغیر باشد، میزان تولید مواد غذایی هم متغیر است. یعنی یکسال ممکن است مواد غذایی به اندازه کافی باشد و یکسال هم مواد غذایی کمتر از نیاز جامعه تولید شود.

طبق اعلام وزارت جهاد کشاورزی در سالهایی که بارش در حد نرمال باشد، حدود ۷۹ درصد مواد غذایی در داخل و ۲۱ درصد آن از خارج کشور وارد شده است. پس اگر کشور در حال تحریم باشد، ایجاد اختلال در معیشت مردم ایران امری طبیعی است.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

برای تولید مواد غذایی علاوه بر آب، زمین قابل کشت هم مطرح است. کشور ایران حدود ۳۷ الی ۵۰ میلیون هکتار زمین قابل کشت دارد. اختلاف این دو رقم به کیفیت زمین های قابل کشت بر می گردد. بعضی از زمین ها مسطح و خاک مرغوبی دارند، بعضی از زمین ها تپه ماهور هستند که به تسطیح اراضی نیاز دارد. بعضی از زمین ها نیم شور هستند که باید شوری آن گرفته شود. یعنی زمین های مرغوب تا متوسط حدود ۳۷ میلیون هکتار است و زمین های متوسط ضعیف و ضعیف هم حدود ۱۳ میلیون هکتار است که جمعا ۵۰ میلیون هکتار می شود. از این مقدار زمین در خوش بینانه ترین سالهایی که بارش بالاتر از نرمال باشد، حدود ۱۵ الی ۱۸ میلیون هکتار کشت می شود. ما بقی زمین ها یعنی ۲۰ الی ۳۰ میلیون هکتار از زمین ها، بدلیل نبود آب، در آن کشت انجام نمی شود. به عبارت دیگر بزرگترین عامل توسعه بخش کشاورزی و تولید مواد غذایی در ایران کمبود آب کشاورزی است.

اولین منبع تأمین آب کشاورزی بارش های سالانه می باشد. که آن هم متغیر است. حال چه باید کرد؟ مهمترین راه حل تأمین آب برای مصارف مختلف، انتقال آب شیرین، از منطقه شمال و شیرین کردن آب اقیانوس ها از جنوب کشور و انتقال آن به ناحیه مرکزی کشور می باشد. چون در ناحیه مرکزی ایران، زمین های کشاورزی مرغوبی وجود دارد.

در شمال کشور رودخانه های آب شیرین زیادی وجود دارد که به دریا می ریزد. با ایجاد سدهای مخزنی، انحرافی و تأسیسات مختلف، مانند: آب بند، لوله کشی، پمپاژ و تونل های انتقال آب، می توان مقداری از آب شیرین این رودخانه ها را به منطقه مرکزی منتقل کرد. در بعضی از نوشته ها موضوع شیرین کردن آب دریای شمال و انتقال آن را مطرح می شود، که این گزاره چندان درست نیست، چون در شمال کشور آب شیرین وجود دارد. مشکل اصلی انتقال آب از سلسله جبال البرز است که بطور متوسط سه هزار متر ارتفاع دارد. گذر این آب نیاز به سرمایه گذاری بالایی دارد. ولی این سرمایه گذاری ارزش خودش را دارد. بطور مثال در ابتدای سال ۱۳۹۸ بدلیل بارش زیاد، رودخانه های شمال کشور طغیان کردند. طغیان رود گرگان باعث به زیر آب رفتن شهر

آق قلا شد. ولی طغیان رود هراز بدلیل داشتن سد های انحرافی و انتقال قسمتی از آب به سد لتیان و سد ماملو و انتقال آن به ناحیه مرکزی، طغیان رودخانه هراز کنترل شد، بطوریکه شهرهای مجاور رودخانه هراز کمتر صدمه دیدند.

ولی در جنوب وضعیت متفاوت است. آب شیرین رودخانه های کارون و کرخه تقریباً مهار شده است. ولی بارندگی عید سال ۱۳۹۸ نشان داد که این تأسیسات، توان مقابله با این حجم از بارندگی را ندارد. بنظر می رسد، اگر تأسیسات بیشتری برای انتقال آب از سرشاخه های کارون و کرخه به ناحیه مرکزی وجود داشت، شاید شهرهای خوزستان در اثر سیل کمتر خسارت می دیدند.

از طرف دیگر در سالهایی که بارش معمولی می باشد، آب استحصالی از این دو رودخانه کمتر از نیاز فعالیت های مختلف اقتصادی در استان خوزستان است. در سایر استانها هم رودخانه و آب شیرین قابل توجهی وجود ندارد. در نتیجه موضوع شیرین کردن آب اقیانوس ها و انتقال آن بر روی زمین های کشاورزی دشت های جنوبی و مرکزی در اولویت قرار می گیرد. تکنولوژی شیرین کردن آب اقیانوس ها تا چند سال وجود نداشت. ولی در سالهای اخیر، شیرین کردن آب با هزینه بالا امکان پذیر شده است. در نتیجه می توان امید داشت، با پیشرفت تکنولوژی، هزینه آن تا مقدار قابل قبولی کاسته شود.

در نتیجه راه حل کلی برای تضمین معیشت مردم ایران شیرین کردن آب اقیانوس ها و انتقال آن به داخل کشور است. این راه حل هیچ گاه نباید کنار گذاشته شود. در ضمن، این سیاست، بعنوان یک راه حل بلند مدت باید در ذهن مسئولین و مردم کشور ایران باشد.

تولیدات کشاورزی در ایران

در این قسمت سایر مسائل بحز مسائل آب بخش کشاورزی مورد بحث قرار می گیرد. هرچند رسیدن به وضعیت مطلوب در بخش کشاورزی کارهای زیادی باید انجام شود ولی در سالهای گذشته زیر ساختهای زیادی شکل گرفته است. لذا در این قسمت کارهایی که باید انجام گیرد بر شمرده می شود.

اول - توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی : محصولات کشاورزی معمولاً فساد پذیر هستند. این محصولات در یک زمان معین تولید و به بازار عرضه می شود. در زمان عرضه محصول معمولاً قیمتها کاهش می یابد و کشاورزان متضرر می شوند ولی در زمانهای دیگر بدلیل کاهش عرضه قیمت محصول کشاورزی افزایش می یابد. این مشکل با تشکیل و راه اندازی صنایع تبدیلی و تکمیلی مواد غذایی رفع می شود. در این کارخانه ها محصولات فرآوری ، بسته بندی و انبار می شود. لذا محصولاتی که امکان عرضه آن در کل سال وجود نداشت، می تواند در طول سال در اختیار مصرف کننده قرار گیرد. تشکیل کارخانجات مواد غذایی نیاز به یک برنامه میان مدت یکی دو ساله دارد تا کشاورزان با تنظیم قرار دادهایی محصولات خود را در اختیار کارخانجات قرار دهند.

دوم- مدیریت منابع آب - عرضه منابع آب هر چند کم باشد ولی با اقداماتی نظیر آبخیز داری و مدیریت توزیع آب و روش های صحیح آبیاری می توان از هدر رفت آب جلوگیری کرد. در این باره کارهای زیادی انجام شده است. ولی هنوز جای کار زیادی دارد. این امر با سرمایه گذاری بیشتر و اعطای تسهیلات بیشتر به کشاورزان برای بهبود روش های آبیاری امکان پذیر است.

سوم - تأمین نهاده های کشاورزی

کشاورزان برای کشت محصولات خود نیاز به نهاده های بذر، کود ، سم ، ماشین آلات، بذر مرغوب، و تسهیلات بانکی دارند. این نهاده ها باید به وفور، و به موقع در اختیار کشاورزان قرار گیرد. اگر عرضه این نهاده ها با

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

مشکلی روبرو شود، میزان تولید کشاورزان کاهش می یابد. برای این منظور شرکتهای تعاونی روستایی و شرکتهای تعاونی اعتبار تشکیل شده است. برای هدایت این شرکتهای، سازمانی به نام سازمان تعاون روستایی تشکیل شده است. وظیفه این سازمان، برنامه ریزی و تهیه کلیه نهاده های مورد نیاز کشاورزان به وفور است. هر نوع کم کاری و یا اختلال در تأمین نهاده های بخش کشاورزی، افت تولیدات بخش را به همراه خواهد داشت.

چهارم- تنظیم بازار مواد غذایی: ایجاد واسطه و دلال بازی در فرایند توزیع محصولات غذایی باعث مشکلات زیادی در کشور شده و می شود. بخصوص در شرایط تحریم، حساسیت بیشتر در زمینه امنیت غذایی کشور بیشتر ضرورت دارد. لذا کنترل توزیع مواد غذایی اهمیت زیادی می یابد.

در یک برنامه میان مدت می توان واسطه ها و دلال ها را حذف کرد. چون در حال حاضر فروشگاههای زنجیره ای در حال رشد هستند. از طرفی مغازه های عرضه کننده مواد غذایی هم معمولاً توسط شرکت های توزیع پشتیبانی می شود. پس خریداران عمده محصولات کشاورزی محدود به کارخانجات مواد غذایی، فروشگاههای زنجیره ای و شرکتهای توزیع مواد غذایی خواهند بود.

طرف عرضه محصولات غذایی، کشاورزان هستند که همگی در شرکتهای تعاونی روستایی و کشاورزی سازماندهی شده اند. کشاورزان میزان محصولی که در پایان فصل کشت بدست می آورند را به تعاونی ها اعلام می کنند.

اگر یک بورس کالاهای کشاورزی راه اندازی شود. شرکتهای تعاونی روستایی به نمایندگی از کشاورزان می توانند محصولات خود را در بورس عرضه کنند. از طرف دیگر فروشگاههای زنجیره ای، شرکتهای توزیع مواد غذایی و کارخانجات صنایع تبدیلی و تکمیلی می توانند در طرف عرضه قرار گیرند. لذا با محدودیت ورود افراد متفرقه در بازار عرضه و تقاضای مواد غذایی می تواند واسطه ها و دلال ها را به راحتی حذف کرد. از طرف

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

دیگر، یکی از اشکال فروش محصولات کشاورزی، فروش قرار دادی در آینده است که این امر با تشکیل بورس و محدودیت تقاضا کنندگان در بورس امکان پذیر است.

پنجم- شرکت های دانش بنیان:

مشکل کار در شرکت های دانش بنیان در حوزه بخش کشاورزی این است که گروهی از دانش آموختگان بخش کشاورزی که دارای ایده های مختلفی برای افزایش تولید هستند، حضور دارند. ولی این گروه بدلیل نداشتن سرمایه کافی قادر به هیچ گونه فعالیتی نیستند. لذا برای فعال شدن این گروه موضوع پشتیبانی و در اختیار قرار گذاشتن سرمایه برای این گروه ضرورت دارد.

بطور کلی در حوزه بخش کشاورزی شرکت های دانش بنیان به سه دسته تقسیم می شوند. الف - شرکتهای

دانش بنیان ترویجی، ب - شرکت های دانش بنیان تولیدی و ج - شرکت های دانش بنیان خدماتی

الف - شرکت های دانش بنیان ترویجی - طرح توسعه اینگونه شرکتهای از سالهای قبل شروع و اجرا شده است. ولی سرمایه گذاری بیشتر در این زمینه برای بخش کشاورزی ضرورت دارد. در این طرح یک شرکت دانش بنیان ترویجی تشکیل می شود. این شرکت ترویجی، یک ایده و یا اقدام عملی، برای افزایش کالای کشاورزی در یک منطقه را پیشنهاد می دهد. سپس وزارت جهاد سازندگی با عقد قرار داد با این شرکت، زمینه فعالیت آن را در منطقه ای خاص مهیا می کند. که این امر موجب افزایش تولید در آن منطقه می شود.

ب - شرکت های دانش بنیان تولیدی- این شرکتهای معمولاً یک روش تولید جدید را در ذهن دارند. اگر سرمایه کافی در اختیار آنها قرار گیرد، آنها می توانند، روش تولید خودشان را پایه گذاری کنند و سپس به سود دهی برسند. این گروه نیازمند به وام و تسهیلات هستند، اگر تسهیلات کافی در اختیار آنها قرار گیرد کار خودشان را انجام می دهند.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

ج- شرکت های دانش بنیان خدماتی – این شرکتها اگر مورد حمایت قرار گیرند و سرمایه کافی در اختیار آنها قرار گیرد قادرند، یک خدمت و یا یک کالای مورد نیاز کشاورزان را تولید کنند. این گروه هم نیاز مند به تسهیلات و وامهای کم بهره هستند.

جمع بندی

بطور کلی بخش کشاورزی ایران نیاز مند حمایت بیشتری در زمینه سرمایه گذاری عمرانی و تسهیلات بانکی است تا بتواند بیشتر شرکت های دانش بنیان را حمایت کند. در این صورت می توان، توقع داشت تولید بخش کشاورزی در کوتاه مدت و میان مدت افزایش یابد.

دانشگاه ها و تولیدات صنعتی

با پیشرفت جامعه بشری، تولیدات صنعتی هر روزه بازسازی و نوسازی می شود. هر روز ایده جدیدی کشف ، اختراع و ابداع می شود. به تبع این اختراعات و ابتکارات ، صنایع گوناگون پی ریزی می شود. به عبارت دیگر ابتدا ایده یک محصول در دانشگاه های کشور شکل می گیرد، سپس روش های تولید آن مشخص می شود و در انتها ماشین آلات لازم برای تولید آن محصول شکل می گیرد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

ولی این فرآیند در کشورهای توسعه نیافته متفاوت است. در این کشورها ابتدا محصول تولید شده در کشورهای پیشرفته را وارد می کنند. سپس نسبت به تولید آن کالا در جوامع توسعه نیافته احساس نیاز می شود. نسبت به پیچیدگی هایی که تولید این کالا دارد. اقداماتی انجام می گیرد. قدم اول این است که این کالا در داخل منتاژ شود. سپس سعی می شود، تعدادی از قطعات در داخل تولید شود. اگر کشوری بتواند، به سرعت تمامی قطعات را در داخل تولید کند. هنوز چندین گام از کشورهای دیگر عقب است. چون تکنولوژی تولید این محصول و قطعاتش تغییر کرده است. و این کارخانه مجبور است دوباره آن کالا را با شرایط جدید تولید کند. لذا کارخانجات کشورهای توسعه نیافته، همیشه دنباله رو صنایع کشورهای پیشرفته است. به عبارت دیگر در کشورهای توسعه نیافته، تولید محصول حاصل ابداعات و ابتکارات، دانشگاه های آن کشور نیست. بلکه محصولات نتیجه، کپی برداری و دنباله روی، صنایع داخلی از صنایع پیشرفته خارجی است.

از طرف دیگر دانشگاه های کشورهای توسعه نیافته، هیچ گاه خودشان را موظف به تولید یک محصول نمی دانند. بلکه بزرگترین هنر این دانشگاه ها یادگیری مطالبی است که در دانشگاه های خارج تدریس می شود و انتقال همان یافته ها به دانشجویان داخلی است. وقتی صنایع کشورهای توسعه نیافته، برای تولید محصولات خود به صنایع کشورهای خارجی متوسل می شوند، در نتیجه آنها هیچ گاه به دانشگاه ها مراجعه نمی کنند، وقتی برای تولید یک ایده جدید به دانشگاه ها مراجعه نشود، دانشگاه ها نمی توانند در نوآوری ها و اختراعات و ابداعات دخالتی داشته باشند. لذا کلیه مقالات، و یافته های تحقیقی دانشگاه ها بدون هیچ متقاضی به بایگانی ها سپرده می شود.

با این مقدمه وضعیت کشور ایران مورد بررسی قرار می گیرد. ایران در بعضی از حوزه های علوم و تحقیقات توانسته پیشرفت کند ولی در بعضی از حوزه ها نتوانسته است.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

اگر دقت کنیم مشاهده می کنیم که در حوزه هایی که امکان ورود کالایی در داخل کشور وجود نداشته است. ایده تولید آن محصول در دانشگاه ها شکل گرفته است. تحقیقات لازم در آن زمینه انجام گرفته است. سپس فارغ التحصیلان دانشگاهی با تشکیل شرکتهای دانش بنیان، سعی کرده اند آن محصول را تولید کنند.

ولی در حوزه هایی که امکان ورود کالایی در داخل کشور وجود داشته، دانشگاه ها هیچ گاه به تولید آن محصول ورود نکرده اند، در ضمن صناعی که از ابتدا کارشان را با کپی کاری شروع کرده اند، سعی می کنند، برای ایده جدید به دانشگاه ها مراجعه نکنند، بلکه بصورت کپی کاری از صنایع خارجی، آن محصول را در داخل تولید کنند.

موضوعی که هر روز ایرانیان از خود می پرسند این است چرا کشور ایران توانسته است موشک های نقطه زن و پیشرفته تولید کند ولی نتوانسته اتومبیل پراید و پژو را تولید کند؟

پاسخ در همین نکته است، کشورهای پیشرفته، تکنولوژی تولید و صنایع تولید موشک، صنایع هسته ای، تکنولوژی نانو و تولید بسیاری از دارو ها را به ایران نمی دادند. در نتیجه ایده تولید این محصولات در دانشگاه های مختلف کشور شکل گرفت، سپس شرکت های دانش بنیان برای تولید این محصولات پایه گذاری شده است. در زمینه موشک سازی، صنایع هسته ای و ... شرکت های دانش بنیان زیادی پایه ریزی شده اند. در نتیجه محصولات تولیدی بر اساس دانش داخلی تولید شده است. به عبارت دیگر تولید این کالاها، مانند کشورهای پیشرفته عمل کرده است.

ولی در زمینه اتومبیل و لوازم خانگی اینگونه نبوده است.

تولید کننده داخلی برای تولید این محصولات به صنایع کشورهای خارجی متوسل شده است. سعی کرده است، ماشین آلاتی شبیه آنان داشته باشد. ابتدا آن محصول را در داخل منتاژ کرده است. سپس کشور پیشرفته اجازه

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

تولید تعدادی از قطعات را به داخل کشور داده است. لذا وضعیت این صنایع بگونه ای است که آنها هیچ گاه به دانشگاه های داخلی مراجعه نکرده اند. در ضمن هیچ شرکت دانش بنیانی هم در اطراف آنها شکل نگرفته است.

صنایع داخلی قدرت هیچ تغییر و تحولی در تولید این محصولات نداشته است.

بطور مثال: موتور ، اتومبیل پژو یک موتور گرمکار است. کشور فرانسه یک کشور سرد سیر است. این محصول می تواند در آنجا به خوبی کار کند. ولی کشور ایران یک کشور گرم و خشک است. موتور گرمکار باعث می شود هر ساله و یا یکسال در میان بعثت داغ کردن موتور، سوپاپ و واشر سر سیلندر موتور پژو خراب شود.

البته دارندگان این اتومبیل ها بعد از خرید سعی می کنند، با عوض کردن تعدادی از قطعات مشکل داغ کردن و جوش آوردن موتور پژو را حل کنند. لذا این امر باعث می شود که موتور پژو هر ساله خراب نشود.

ولی موضوع قابل توجه این است که شرکت ایران خودرو که اتومبیل پژو را برای ۲۵ سال در ایران منتاژ و تولید کرده است هیچ گاه به فکر رفع این اشکال نبوده است. اشکالی که هر دارنده اتومبیل پژو رفته و آنرا حل کرده است. ولی شرکت ایران خودرو بعد از ۲۵ سال به خودش اجازه دخالت و کوچکترین تحقیقی نداده است. و موتور اتومبیل پژو را با همان اشکال فنی دوباره تولید و به بازار می فرستد.

صنایع اتومبیل سازی و لوازم خانگی از سال ۱۳۹۷ بدلیل تحریم های غیر قانونی آمریکا و کشورهای غربی، تولیدات آنها دچار نقصان شده است. راه حل این نقص ، تشکیل شرکتهای دانش بنیان در این زمینه است.

ابتدا باید مشاهده کرد که کدامیک از قطعات خودرو از خارج کشور وارد می شود. آن قطعات در داخل توسط شرکتهای دانش بنیان طراحی و ساخته شود.

سپس با توجه به تغییرات تکنولوژی تولید اتومبیل در کشورهای غربی ، موضوع طراحی اتومبیل در دانشگاه های ایران پی گیری و سپس شرکتهای دانش بنیان برای تولید قطعات پایه ریزی شود.

این موضوع برای صنایع کالاهای خانگی هم صادق است.

مشکل بعدی که در این زمینه وجود دارد، طرز تفکر مدیران شرکتهای خودرو سازی و صنایع کالاهای خانگی است. بطور معمول آنها برای رفع مشکلاتشان نگاهی به خارج از کشور دارند، چون تولید این محصول هر روز تغییر می کند، و اگر این تغییرات در داخل اعمال نشود، آنها از قافله عقب می مانند. لذا سعی می کنند، بیشتر به کشورهای پیشرفته متوسل شوند. در نتیجه این مدیران اجازه تشکیل واحدهای دانش بنیان را در اطراف خود نمی دهند.

تأمین مالی و سرمایه

برای افزایش تولید و دانش بنیان شدن آن نیاز به سرمایه گذاری است. شرکتهای تولیدی معمولاً برای نیازهای مالی خود به دو نهاد مراجعه می کنند. نهاد بورس و نهاد بانک. از نهاد بورس، سرمایه گذاریهای بلند مدت و از نهاد بانک، سرمایه گذاریهای کوتاه مدت تأمین مالی می شود. در علم اقتصاد نهاد بورس محل بازار سرمایه و نهاد بانک محل بازار پول است. این دو نهاد در قسمت تقاضا شبیه هستند. هر دو نهاد تأمین نیازهای مالی واحدهای تولیدی را دنبال می کنند، ولی در قسمت عرضه وجوه ، این دو نهاد با هم تفاوت دارند. در نهاد بورس افراد حقیقی و حقوقی با خرید سهم، صاحب قسمتی از اموال یک واحد تولیدی می شوند. و طبق قانون، بعد از حسابرسی صورتهای مالی واحدهای اقتصادی، سود سهام به دارندگان سهم تعلق می گیرد. ولی در نهاد بانک، وضعیت به گونه ای دیگر است. بانک ها علاوه بر پذیرش پس اندازهای خرد و کلان مشتریان، وظیفه نقل و انتقال پول ، صدور ضمانت نامه، تسهیل خرید و فروش بازار کالا، خرید و

فروش ارز و پول های خارجی ، نگهداری از حساب جاری مشتریان و قبول امانات مشتریان را نیز بر عهده دارند.

انجام این وظایف بانکها، موجب می شود، بانکها، مبلغی پول همیشه در حسابهای خود داشته باشند. از آنجایی که معمولاً بانکها از مشتریان خود، بابت کارهایی که انجام می دهند، حق الزحمه نمی گیرند، لذا برای تأمین هزینه های خود، سعی می کنند قسمتی از پولهایی که در اختیار دارند، وام پرداخت کنند و در قبال آن، بهره ای دریافت کنند.

میزان حجم وام پرداختی بانکها تعیین کننده پایه پولی در کشور است. اگر میزان حجم وام پرداختی بانکها، متناسب باشد، در آن صورت تولید رونق می گیرد و توسعه اقتصادی محقق می شود. ولی اگر میزان حجم وام پرداختی بانکها کمتر از میزان متناسب باشد، رکود اقتصادی در جامعه پدیدار می گردد. بلعکس اگر حجم وام پرداختی بیشتر از حد باشد، باعث تورم در جامعه می شود.

مسئله دیگری که در مورد بانکها وجود دارد این است که اگر بانکها پول مشتریان را به دیگران وام بدهند. و در همین حین مشتریان خواستار برداشت پول خود باشند، در این صورت بانکها نسبت به انجام وظایف خود عاجز می شوند که متعاقب آن بانکها ورشکسته می شوند که در این صورت موجب بحران در جامعه می شود.

در نتیجه، اگر بانکها به حال خود واگذار شوند، جامعه دچار، رکود، تورم یا بحران می شود. ولی اگر این بانکها به نوعی کنترل شوند، در آن صورت رونق اقتصادی شکل می گیرد.

برای کنترل عملکرد بانکها، تأسیس بانکهای مرکزی ضرورت می یابد. بانکهای مرکزی با تعیین نرخ بهره بانکی، نرخ بین بانکی و نرخ تنزیل مجدد، سعی می کنند، میزان حجم وام پرداختی و میزان پایه پولی را کنترل کنند، تا از این طریق جامعه دچار تورم، رکود و بحران نشود.

بانک مرکزی برای تعیین مقدار متناسب وام پرداختی و پایه پولی، توسط بانکها متوسل به فرمولهای ریاضی، تحلیل های آماری می شوند. خروجی این فرمول های ریاضی، تعیین نرخ تنزیل مجدد و نرخ بهره بین بانکی و نرخ بهره بانکی است. با این سه ابزار اگر بانکی، پول زیادی در اختیار داشته باشد، بطور طبیعی بانک مایل است برای تأمین هزینه های خود، این پول را به دیگران وام بدهد و از سودش بهره ببرد. بانک مرکزی با تعیین نرخ تنزیل مجدد، نرخ بهره بین بانکی و نرخ بهره بانکی، میزان مناسب حجم وام پرداختی به جامعه را برای این بانک معین می کند. اگر با این نرخ ها، بانک پول اضافه تری داشته باشد. بانک مجبور است پول اضافی را به بانکهای دیگر و یا به بانک مرکزی بدهد. بصورت معکوس اگر بانکی مبلغ زیادی پول، در دوره قبل بصورت وام پرداخت کرده باشد، ولی حالا مشتریان می خواهند پول خودشان را پس بگیرند، در این صورت بانک می تواند از منابع بانکهای دیگر و یا از طریق تنزیل مجدد از بانک مرکزی وجوه مورد نیاز خود را تأمین کند.

در دنیای امروزی کنترل بانکها توسط بانک مرکزی، بقدری سخت شده که بانکهای مرکزی، متخصصان بیشماری را برای تعیین میزان نرخ بهره، بهره بین بانکی و نرخ تنزیل مجدد استخدام می کنند. این متخصصان با فرمول های ریاضی مختلف و تحلیل آماری عددهایی استخراج می

کنند تا بانک مرکزی با اعمال آن رونق اقتصادی در جامعه را فراهم کند. و از طرف دیگر جامعه دچار بحران، رکود و تورم نشود.

با این مقدمه نگاهی به وضعیت رکود، تورم و بحران در ایران می شود. در کشور ایران نرخ تورم بعد از ۴۳ سال همیشه دو رقمی بوده است. در بعضی از سالها رقم های ۴۰ تا ۵۰ درصد را تجربه کرده است. نرخ تورم بالای ۲۰ درصد یک بحران برای جامعه محسوب می شود. در ضمن در ۱۰ سال گذشته که هر ساله مقام معظم رهبری شعار سال را تولید، جهش تولید و تعیین کرده اند، در این ۱۰ سال، نه تنها سرمایه گذاری انجام نشده که نرخ خالص سرمایه گذاری در کشور منفی بوده است.

لذا این گذاره که بانک مرکزی توانایی کنترل بانکها و تورم را ندارد، مورد توجه قرار می گیرد.

پس سوال اصلی این است چرا بانک مرکزی از کنترل بانکها و تورم و بحران در جامعه ناتوان است؟ برای این ناتوانی مطالب زیادی گفته میشود. مثلاً، گفته می شود تورم عوامل دیگری نیز دارد. این گذاره درست است، ولی از آنجایی که هیچ حساب و کتابی در این زمینه در جامعه وجود ندارد، لذا تعیین اینکه در تورم و بحران جامعه چه کسانی مقصرند. راه بجایی نمی برد. حساب و کتاب، تعیین نرخ تورم و عوامل مختلف آن، از طریق فرمول های ریاضی باعث تعیین نرخ تنزیل مجدد و تعیین نرخ بهره می شود. وقتی این حساب و کتاب روشن باشد می توان اثر گذاری سایر مقصرین تورم و بحران در جامعه را با فرمول های ریاضی نشان داد. در غیر اینصورت هر کسی می تواند برای خودش مقصر تراشی کند و راه بجایی نبرد.

عمده ترین علل، عدم توانایی بانک مرکزی در کنترل بانکها به قوانین وضع شده برای بانکها در حال حاضر بر می گردد. این قوانین، نرخ بهره چند گانه را برای بانکها مجاز دانسته است. وقتی نرخ بهره چند گانه برای بانک مجاز باشد در اینصورت بانک مرکزی ابزاری برای کنترل بانکها در اختیار ندارد. بانکها می توانند هر روزه به تناسب شخصی که وارد بانک می شود، میزان وام و بهره وام را تعیین کنند. این آزادی عمل عمده ترین علل تورم، رکود، سرمایه گذاری منفی و بحران در سالهای گذشته است. هر چند عوامل دیگری در این تورم و رکود و بحران دخیل هستند ولی تا زمانی که فرمول ریاضی و تحلیل آماری مشخصی وجود نداشته باشد، شناسایی عوامل بحران و تورم در جامعه عملاً غیر ممکن است. پس قوانین فعلی بانکها امکان، کاهش و حذف بحران و تورم و سرمایه گذاری منفی در جامعه را نمی دهد.

حالا سوالی که مطرح می شود، این است که چرا این قوانین وضع و اجرا می شود؟ آیا قوانین جاری بانکها، واقعا اسلامی است؟ آیا قوانین فعلی بانکها عقلی است؟ آیا قوانین فعلی بانکها علمی است؟

جواب هر سه منفی است. یعنی با اجرایی شدن این قوانین در طول ۴۰ سال گذشته مشخص شده که این قوانین اول: اسلامی نیست، چون نرخ سود بالای ۳۰ درصد از تولید کنندگان می گیرند و در ضمن در سود و زیان آنها شریک نمی شوند. اگر تولید کننده ای نتواند نرخ سود ۳۰ درصدی را پرداخت کند، بانک ها آن واحد تولیدی را مصادره می کنند. دوم: علمی هم نیست. چون در علم اقتصاد، قانون نرخ بهره چند گانه برای بانکها وجود ندارد. در علم اقتصاد قوانین مزارعه، مساقات و

مضاربه در بانکها نمی تواند اجرا شود. چون در این قوانین، بانکها مبلغی را به تولید کننده پرداخت می کند که در سود و زیان آن شریک باشد. از آنجایی که عقد قرارداد برای پرداخت این مبالغ به مدت زمان طولانی نیاز دارد. در نتیجه اجرای این قوانین، موجب انجماد اعتبارات بانکی می شد. انجماد اعتبارات بانکی هم موجب ورشکستگی بانکها می شود. لازم بذکر است که قوانین مزارعه، مساقات و مضاربه ... قوانین بازار سرمایه هستند. که در نهاد بورس باید مورد توجه قرار گیرد که در حال حاضر در آنجا خبری از این قوانین نیست. سوم: قوانین بانکی فعلی عقلی هم نیست. وقتی اجرای قانونی برای ۴۰ سال تورم و بحران به همراه داشته و برای ۱۰ سال سرمایه گذاری منفی برای جامعه به ارمغان آورده در نتیجه عقلی هم نیست.

لذا تجدید نظر در این قوانین ضرورت دارد.

هر چند برای تدوین قوانین بانکداری فعلی، سعی شده از مفاهیم اسلامی برای بانکها استفاده شود. ولی مشکل اینجاست که در جهان امروزی نهادها و سازمان های بیشماری در زمینه تأمین مالی واحدهای تولیدی و اقتصادی فعالیت می کنند. این واحدها و نهادها برای کارکرد خود قوانین خاصی دارد. لذا بعضی از مفاهیم اسلامی می تواند در نهادی غیر از بانک مورد استفاده قرار گیرد. و این قوانین اصلاً ربطی به بانکها ندارد. مثلاً، مفاهیمی مانند مزارعه، مضاربه، مساقات و ... در دنیای امروز برای بورس می نویسند. یعنی برای نوشتن قانون برای بورس، این قوانین می تواند مورد استفاده قرار گیرد. ولی در بانک بدلیل انجماد پولی مناسب نیستند. از طرفی نهادهایی هم فعال هستند که حلقه واسطه بین بانکها و بورس هستند. مثل شرکت های سرمایه گذاری و

بانکهای تخصصی . کارکرد ، شرکت های سرمایه گذاری و بانکهای تخصصی با هم شبیه هستند.

ولی شرکت های سرمایه گذاری در نهاد بورس فعالیت می کند، در صورتیکه بانک تخصصی در

نهاد بانک فعالیت می کند. لذا ممکن است بعضی از مفاهیم مناسب این نهادها باشد.

در نتیجه برای تجدید نظر قوانین، ابتدا باید نهادهای فعال در بازار سرمایه که نهاد بورس است و

نهادهایی که در بازار پول فعالیت می کنند، شناسایی شوند.

در بازار سرمایه ، شرکت های تولیدی ، شرکت های خدماتی و شرکت های سرمایه گذاری و..

فعالیت می کنند. در بازار پول هم بانکهای تجاری، بانکهای تخصصی و موسسات پولی و مالی و

موسسات پولی خیریه و... فعالیت می کنند.

ابتدا باید مفاهیم اسلامی که در حال حاضر وجود دارد، مورد مطالعه قرار گیرد و سپس مشخص

شود این مفاهیم در کدامیک از نهادهای فوق الذکر قابل پیاده شدن است؟

در ضمن مفاهیمی که در اسلام وجود دارد، هدف محور هستند، یعنی برای پیاده کردن به اهداف

سازمانها و نهادها توجه می شود. نه به ابزارها و امکانات آن نهادها، یک نهاد وقتی تشکیل می

شود، قوانین خاص خود را دارد. در اینجا مفاهیم اسلامی اهداف آن نهاد را مشخص می کند نه

اینکه با مداخله در ابزارها و امکانات آن ، موجب شود، از اهداف متعالی اسلام منحرف شود. از

طرفی یک قانون، تا جایی که موجب رونق جامعه می شود، مورد قبول و اگر پیاده شدن آن

مفاهیم، مشکلاتی در جامعه پدیدار شود، مسئله تجدید نظر در آن قوانین در دستور کار قرار می

گیرد. به عبارت دیگر مفاهیم اسلامی هدف محور هستند، نه ابزار محور.

با مقدمه فوق، هدف نظام اسلامی، کاهش و یا از بین رفتن ربا در جامعه است، پس ابتدا باید کلیه ابزارهایی که در جهان امروز برای این منظور بکار گرفته می شود، مورد بررسی قرار گیرد. سپس با مطالعه مفاهیم اسلامی نحوه از بین رفتن و یا کاهش ربا در جامعه بررسی شود.

منبع تأمین کسری بودجه دولت

عامل دیگری، که بر نرخ تورم، رکود و بحران در جامعه تأثیر دارد، هزینه های دولت است. دولت گاهی برای تأمین هزینه های جاری و عمرانی خود به اعتبارات بانک مرکزی متوسل می شود. برداشت، اعتبارات بانک مرکزی توسط دولت موجب بالا رفتن پایه پولی و یا خلق پول در جامعه می شود. در نتیجه دومین مقصر تورم، و بحران در جامعه، عملکرد دولت ها است. برای کنترل این رفتار دولت، نیاز به دخالت بانک مرکزی در بازار سرمایه و کنترل بازار سرمایه توسط بانک مرکزی است. ولی متأسفانه در حال حاضر، بازار سرمایه و بورس به حال خود رها شده اند.

برای روشن شدن قضیه ابتدا کارکرد نهاد بورس بررسی می شود. در بورس سهام شرکت های تولیدی، خدماتی و سرمایه گذاری، خرید و فروش می شود. عرضه کننده عمده سهام در این بازار، در درجه اول دولت و سپس شرکتهای دانش بنیان هستند. متقاضیان سهام نیز به دو گروه تقسیم می شوند. اول سرمایه گذاران خرد که با انگیزه کسب سود، مبادرت به خرید سهام می کنند و دوم

سرمایه گذران کلان هستند. این سرمایه گذاران با انگیزه بدست گرفتن مدیریت شرکتها ، سهام شرکتی را خریداری می کنند.

با این مقدمه حالا نحوه هزینه کرد دولتها شرح داده می شود. مثلاً دولت در حال حاضر مجبور است جاده ای بین تهران و شمال احداث کند، دولت می خواهد این جاده را ابتدا احداث و هزینه آنرا بعداً از طریق خودرو های عبوری از این جاده تأمین کند. دولت برای اولین بار برای ساختن این جاده متوسل به اعتبارات بانک مرکزی می شود. جاده ساخته می شود. سپس شرکتی راه اندازی می شود، تا از خودرو های عبوری پولی را دریافت تا اصل و فرع سرمایه گذاری باز پس گرفته شود. این شرکت راه اندازی شده یک شرکت دولتی است.

وقتی که پروژه ساخت این جاده تمام شد، دوباره دولت مجبور می شود، جاده دیگری را احداث کند، این جاده مثلاً تهران بطرف شرق است. دوباره دولت نیاز به اعتبارات دارد. حالا دولت چه کاری می تواند انجام دهد؟

اگر مجدداً به سراغ بانک مرکزی برود و بخواهد از اعتبارات آن بانک استفاده کند. در نتیجه تورم و بحران در جامعه بوجود می آید.

ولی اگر شرکت جاده تهران شمال را تبدیل به شرکت سهامی کند و سهام آنرا به بانک مرکزی بدهد تا بانک مرکزی آن سهام را در بورس بفروش برساند، در اینصورت می تواند از اعتبارات فروش سهام جاده تهران شمال استفاده کند و جاده تهران شرق را هم احداث کند. این اقدام موجب تورم و بحران در جامعه نمی شود. چون موجب افزایش پایه پولی نمی شود. چون هیچ

خلق پولی انجام نگرفته است. در ضمن دولت در اجرای وظایف خودش توانمند تر شده و کشور با حمل و نقل آسانتر توسعه می یابد.

اگر به وضعیت کشور ایران توجه کنید در می یابیم که در سالهای گذشته صدها واحد تولیدی و خدماتی توسط دولت در کشور راه اندازی شده است. و عمده آنها بصورت شرکتهای دولتی اداره می شود.

در اینجا دولت با دو مشکل روبرو است. یکی اداره شرکتهای موجود و دیگری راه اندازی شرکتهای جدید که دولت به مردم وعده داده است. اگر شرکتهای دولتی توسط بانک مرکزی بفروش نرسد، هر اقدام دولت موجب تورم و بحران در جامعه می شود. پس باید بانک مرکزی بطریقی بتواند، این شرکتهای دولتی را بفروش برساند.

موضوع فروش شرکت های دولتی در سالهای گذشته مطرح شد، ولی این امر به بانک مرکزی واگذار نشد. بلکه به یک سازمان به نام خصوصی سازی شرکت های دولتی واگذار شد. سازمان به دو طریق شرکت های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کرد، یکی از طریق بورس و دیگری از طریق غیر بورس.

این سازمان بدلیل عدم دخالت و سازماندهی نهاد بورس، تجربه موفقی در زمینه خصوصی سازی شرکت های دولتی نداشته است. بطوریکه تعدادی از شرکت های دولتی بعد از خصوصی سازی کاملاً منحل شدند و از گردونه تولید خارج شدند، عده ای هم مشکلات متعددی برای کارگران مشغول بکار بوجود آوردند، تا آرامش و امنیت جامعه را خدشه دار کنند.

از طرف تقاضا هم سهام فروش رفته به مردم هر روز نوسان داشته بطوریکه خریداران سهام همگی از بازار سرمایه و بورس فراری شده اند.

لذا پیشنهاد مشخص این است که اول واگذاری شرکتهای دولتی از طریق بورس باید باشد و دوم واحد فروش هم باید بانک مرکزی باشد. چون این بانک مرکزی است که پول این شرکتها را ابتدا پرداخت کرده است. وقتی این پول را بانک مرکزی پرداخت کرده است، پس باید واگذاری شرکت های دولتی هم به بانک مرکزی سپرده شود. از طرفی بانک مرکزی حسابدار دولت است. هر جا دولت برای انجام وظایفش به پول نیاز داشته باشد به بانک مرکزی مراجعه می کند و بانک مرکزی هم مجبور است دولت را پشتیبانی کند. وقتی این پولها از بانک مرکزی خارج شود و دیگر به بانک برنگردد، جامعه با تورم افسار گسیخته مواجهه می شود. ولی اگر دولت سهام شرکت های دولتی که قبلاً پولش را از بانک مرکزی گرفته است، به بانک مرکزی واگذار کند. در اینجا بانک مرکزی باید راهکاری پیدا کند تا پول های قبلی خود را نقد کند. اگر بخواهد این شرکتها را با قیمت پایین تر واگذار کند و یا به کسی که واگذار کند که این کارخانه ها را از بین ببرد، تورم بر جامعه حاکم می شود و رئیس بانک مرکزی مقصر اصلی است. پس باید بانک مرکزی کاری کند که هم بتواند سهام شرکت های دولتی را بفروش برساند و هم از آنها محافظت کند. برای این کار باید سازمان بورس و سازمان خصوصی سازی در اختیار بانک مرکزی باشد. لذا باید دخالت بانک مرکزی در سازمان بورس فراهم گردد. در ضمن بانک مرکزی می تواند از طریق قانون حمایت از سهامداران و سهامداران خرد که شاخص های آن در فضای کسب و کار بحث می شود، سهام واگذاری دولت به بانک مرکزی را بفروش برساند و تورم را کنترل کند.

تبیین مفاهیم اسلامی در مورد تأمین سرمایه

در قسمت قبلی مسائل و مشکلات تأمین مالی برای سرمایه گذاری در تولید و تولید دانش بنیان بررسی شد. جهت ارائه پیشنهاد، توجه به مفاهیم اسلامی ضرورت دارد.

در مورد تأمین سرمایه شاید آیه قرآنی به صراحت وجود نداشته باشد. ولی چندین آیه در مورد ربا وجود دارد که به شرح زیر است.

اول: آیه ۲۷۵ سوره بقره: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

ترجمه: کسانی که ربا می خورند، بر نمی خیزند، مگر، مانند کسی که شیطان ضربه محکمی به او زده، بطوریکه گیج و لرزان ایستاده، بخاطر آن که می گوید، ربا مثل کسب (خرید و فروش برای دریافت سود) است. در صورتیکه خداوند کسب را حلال و ربا را حرام کرده است. پس از آمدن نصیحت از طرف، پروردگار، ربا خواری را به پایان برسانید، و آنچه از قبل بدست آورده اید، متعلق به خودتان، و امرش با خداوند است. در صورت نافرمانی، پس او اهل آتش است و در آن برای همیشه خواهد ماند.

دوم: آیه ۲۷۶ سوره بقره: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ».

ترجمه: خداوند ربا را به محاق (بطریقی آنرا نیست و نابود می کند) می برد و صدقات را پرورش و رشد و نمو می دهد. و خداوند، گناهکارانی که بر دستور خداوند سرپوش می گذارند دوست ندارد.

سوم: آیه ۲۷۷ و ۲۷۸ سوره بقره: « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ » يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ

الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

ترجمه: همانا کسانی که ایمان آورند و عمل نیکو انجام دادند و نماز بپا داشتند و زکات دادند، اجر و مزدشان نزد خداوندشان است و دیگر نه ترسی برای آنها وجود دارد و نه غم و اندوهی «ای کسانی که ایمان آورده اید. تقوای خداوند را پیشه راه خود کنید و آنچیزی که از ربا باقی مانده را رها کنید، اگر مومن به خداوند هستید.

چهارم: آیه ۲۷۹ و ۲۸۰ سوره بقره: « فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ

وَإِنْ كَانِ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ » لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

ترجمه: و اگر این کار را نکردید، پس به جنگی از سوی خدا و پیامبرش بر علیه آنها هشدار بده و اگر توبه کردید، سرمایه هایتان از آن شماسست؛ نه ستم روا داشته اید و نه به شما ستم شده است. «و اگر تنگدستی بود، مهلتی برای گشایش در نظر بگیرید. و اگر ببخشید، برای شما بهتر است، اگر بدانید.

پنجم آیه ۱۳۰ الی ۱۳۲ سوره آل عمران: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ

» وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ » وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ » لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را دو چندان و چند برابر نخرید، و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. «و بترسید از آتشی که برای کافران مهیا شده است. «خدا و رسولش را اطاعت کنید باشد که مشمول رحمت خداوند شوید.

ششم: آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء: «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّلَهُمْ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا» و أَخَذَهُمُ الرَّبُّوَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلَهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»

ترجمه: « به خاطر ظلم، کسانی که یهودی بودند، ما چیزهای، پاکیزه و حلال را بر آنان حرام کردیم و بسیار تلاش می کردند، تا از راه خدا جلوگیری کنند. » ربا می گرفتند در حالی که از آن نهی شده بودند و اموال مردم را به ناحق می خوردند و ما برای کسانی که دستورات خداوند سرپوش گذاشتند، عذابی دردناک مهیا کرده ایم. »

هفتم آیه ۳۹ سوره روم: «وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لِّيرَبُّوَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرَبُّوَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ
تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»

ترجمه: « و آنچه از ربا می دهید تا مال مردم زیاد شود نزد خدا افزوده نمی شود و آنچه از زکات که برای رضای خدا می دهید، زیاد می شود و زکات دهندگان مال خود را زیاد می کنند»

ربا یک کلمه عربی است. این کلمه به معنی زیاد شدن، بالا رفتن و رشد و نمو است. معمولاً این کلمه برای گرفتن سود پول از طریق قرض دادن پول بکار برده می شود. در فارسی این کلمه معادل سود پول، بهره پول است. شرط وقوع ربا این است که هرگاه در هنگام قرار داد، قرض گیرنده ملزم شود پولی را دریافت کند و در زمان ادای قرض، اصل پول بعضافه مقدار بیشتری برگرداند، ربا تحقق یافته است.

اگر مفهومی که برای ربا در نظر گرفته شده است. یک مفهوم عام برای کلیه پرداخت و دریافت های پول باشد. در اینصورت امکان سرمایه گذاری برای جوامع وجود نخواهد داشت. در ضمن نهادی مانند بانک هم نمی تواند، فعالیت کند. در دنیای امروز نبود بانک و عدم سرمایه گذاری مساوی فقر مطلق در جامعه است. با نگاهی به آیات فوق، مفهوم عام برای اطلاق کلیه داد و ستد پول و سود پول ، نمی تواند صحت داشته باشد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

اگر آیات قبل از آیه ۲۷۵ سوره بقره و آیات بعد از آیه ۲۸۰ سوره بقره مطالعه شود، خداوند در این آیات به موضوعات انفاق و دستگیری و کمک به دیگران برای رفع فقر تأکید کرده است. در ضمن در خود آیه ۲۷۵ خداوند به موضوع بیع اشاره می کند. در آنجا می گوید، این افرادی که ربا خورده اند، می گویند، این هم یک نوع بیع و کسب و کار است. در صورتیکه ربا، بیع و کسب و کار نیست.

پس ما باید این مفهوم را از حالت عام و کلی خارج و آنرا تفکیک کنیم.

برای اینکه بتوانیم بین بیع و ربا تفکیک قائل شویم، این سوال را مطرح می کنیم. افراد برای چه چیزی از یکدیگر قرض می گیرند؟

پاسخ سوال این است. یک عده برای برآورده کردن نیازهای ضروری خود قرض می گیرند مثلاً یک فردی بیمار شده و یا بیکار شده است. برای امرار و معاش خود، مجبور است پولی قرض بگیرد. ولی گروه دومی هم وجود دارد که برای امرار معاش خود قرض نمی گیرند، بلکه می خواهد یک کارخانه راه اندازی کند، یا یک کسب و کار راه اندازی کند. کارخانه و یا کسب و کار راه اندازی شده، بقدری بزرگ است که آن فرد نیاز دارد کسانی با او شریک شوند و او را برای انجام کارش یاری کنند. افرادی هم به او کمک می کنند. پول و سرمایه و همه توان خود را در اختیار او می گذارند، وقتی کارخانه و کسب و کار راه اندازی شد، اولین اقدام ، صاحب کارخانه پس دادن پول دیگران است.

در موقع پس دادن پول و یا تأدیه وام، عقلای مردم چه قضاوتی می کنند؟ پاسخ برای این گذاره عقلی چیست؟ پاسخ عقلی همه مردم این است که : از کسی که برای امرار معاش، پولی قرض گرفته تا، بیکاری و بیمار اش را مداوا کند، نباید، پول اضافه تری گرفته شود، ولی برای کسی که کارخانه ای ساخته است، پس حالا سود کارخانه و یا کسب و کار را نباید به تنهایی در جیب خودش قرار دهد. بلکه باید به بقیه افرادی که به او کمک کرده اند نیز مبلغی از سود را پرداخت کند. پس عقل دستور می دهد، بین این دو نوع وام تفکیک قائل شد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

حالا از زاویه دیگر به همین قضیه نگاه می کنیم. یک نهاد مالی (بانک ، صرافی ، صندوق مالی و اعتباری و....) وجود دارد که کارش پرداخت وام است. این نهاد هم به افرادی که برای نیازهای ضروری خود مراجعه می کند، وام می دهد و هم برای راه اندازی کسب و کار، وام پرداخت می کند. اگر این نهاد مالی از همه مراجعه کنندگان خود بابت پولی که بابت وام پرداخت می کند، سود معینی بگیرد. آیا دوباره عقل دستور نمی دهد که باید بین این دو نوع وام تفکیک قائل شد؟

حالا با این گذاره عقلی که باید بین وام های پرداختی تفکیک قائل شد، آیه ۲۷۵ سوره بقره را دوباره بخوانیم. در آنجا خداوند کسی که صاحب یک نهاد مالی است را در جهان پس از مرگ مورد مؤ اخذه قرار می دهد. آن فرد می گوید، این دو نوع وام مانند یکدیگرند، ولی خداوند با همین ادله عقلی که در بالا گفته شد، می فرماید این دو نوع وام یکی نیست،

اگر این آیه را با آیات قبل و بعدش در نظر بگیریم. خداوند به موضوع انفاق و دستگیری از افراد فقیر جامعه تأکید کرده است. حالا افراد فقیری هم وجود دارد که حاضر نیستند، صدقه و انفاق قبول کنند، لذا این افراد برای رفع فقر خود متوسل به وام و قرض می شوند. در اینجا خداوند به افرادی که صاحب پول ثروت هستند، می فرماید، از نظر عقلی گرفتن سود برای پرداخت وام به کسی که برای رفع نیاز ضروری خود مراجعه کرده است، درست نیست.

موضوع دیگر آیه ۱۳۰ سوره آل عمران است. در آنجا خداوند می فرماید، ربای دو برابر و چند برابر نخورید. در آیه قبلی بین دو نوع وام تفکیک قائل شده است. اول اینکه برای وامی که برای نیازهای ضروری افراد پرداخت می شود نباید، هیچ گونه سودی گرفته شود. این سرجای خودش هست. پس در این آیه موضوع فقط گرفتن سود از وامهایی است که برای کسب و کارها پرداخت می شود. در اینجا، آیه قرآن عنوان می کند، سود دو برابر و چند برابر از تولید کننده نگیرید. به عبارت دیگر پیشنهاد کرده، سود پول دریافتی باید متناسب با سود تحقق

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

یافته از کسب و کار باشد، نه اینکه دو برابر و چند برابر باشد. وقتی سود دو برابر و چند برابر گرفته شود، تولید کننده متضرر و ورشکست می شود. لذا خداوند در این آیه تأکید می کند که کارکرد شما باعث ورشکسته شدن تولید کننده و کاهش تولید نشود. چون کاهش تولید یعنی کاهش مصرف و رفاه در جامعه. یعنی فقر افزایش می یابد که خداوند با آن مخالف است.

حالا با این دو گذاره عقلی می خواهیم، سیستم مالی موجود را تصحیح کنیم، بطوریکه سیستم مالی، ربوی نباشد.

طراحی سیستم مالی اسلامی

بطور کلی در تمامی کشورها، یک نهاد به نام بانک مرکزی یا فدرال رزرو وجود دارد. این نهاد هماهنگ کننده تمامی نهادهای مالی فعال در یک کشور است. در ذیل بانک مرکزی، بانکهای تجاری، بانکهای تخصصی، بانک های خیریه ای، صندوق های مالی و اعتباری، صندوق های قرض الحسنه، و... و نهاد بورس فعالیت می کند. بانک مرکزی و نهادهای مالی تحت کنترل آن، یک سیستم مالی را تشکیل می دهند.

سیستم مالی کشورهای مختلف تقریباً مشابه یکدیگر هستند. حالا یک سوال پیش می آید آیا سیستم های مالی کشورهای مختلف ربوی است یا نه؟

پاسخ این است، اگر در سیستم مالی کشورها بین وام ضروری افراد و وام سرمایه گذاری تفکیک قائل شده باشد و در ضمن از کسب و کارها نیز، سود پول بیشتر از سود کسب و کار گرفته نشود، سیستم مالی ربوی نیست. ولی اگر این دو گزاره عقلی در نظر گرفته نشود، سیستم مالی ربوی است.

سوال بعدی این است سیستم مالی کشور ایران ربوی است یا نه؟

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

پاسخ این است که قوانین نوشته شده برای سیستم مالی ایران، با هدف اجرای آن دو گذاره عقلی فوق شکل گرفته است. بطوریکه اسم آنرا قانون بانکداری اسلامی گذاشته اند. ولی در عمل این دو گزاره عقلی کمتر و یا اصلا اجرا نمی شود. پس بانک های ایرانی ربوی است. چرا؟

چون قوانین نوشته شده برای نهادهای مالی مناسب کارکرد، ذاتی آنها نیست. در قانون بانکداری اسلامی، بانکهای تجاری را ملزم به پرداخت وام قرض الحسنه و پرداخت وام تحت قوانین مزارعه، مساقات، مضاربه و... نمودند. اجرای این قوانین با کارکرد ذاتی بانک تجاری در تضاد است. همانطور که قبلا شرح داده شد، بانک تجاری برای انجام عملیات های مختلف پولی، مانند نگهداری پس اندازهای مردم، تسهیل در نقل و انتقال پول، صدور ضمانت نامه و تسهیل در تجارت کالا، مقداری پول مردم، در صندوق بانک باقی می ماند. بانکهای تجاری این مبلغ را معمولا برای پرداخت وامهای کوتاه مدت، اختصاص می دهند. تا از طریق سود پول بتوانند، هزینه های خود را جبران کنند. حال اگر بانک تجاری بخواهد این پول ها را با قرار دادهای بلند مدتی مانند مضاربه، مزارعه و ... به دیگران بدهد. در صورتیکه، مشتریان به یکباره بخواهند پول خود را از بانک پس بگیرند، بانک با مشکلات زیادی مواجه می شوند. شاید بانک در کوتاه مدت بتواند از طریق قرض گرفتن از بانک مرکزی پول مشتریان را بازپرداخت کند. ولی اگر پول مشتریان بصورت وام بلند مدت از صندوق بانک خارج شده باشد، در اینصورت منابع بانک منجمد می شود. بانک دیگر قادر به پس دادن پول مردم نیست. لذا بانک ورشکسته می شود. حال شاید بانک مرکزی از ورشکسته شدن بانکها جلوگیری کند ولی این امر تورم بالایی به کشور تحمیل می کند. یا اگر بانک پول خودش را بصورت قرض الحسنه به دیگران وام بدهد. در این صورت، هزینه های خود را از چه طریقی جبران کند؟

علاوه بر این مشکلات، اگر بانک ها با نرخ بهره چند گانه مواجه باشند، در اینصورت، امکان اختلاس و سایر جرم ها در بانک شیوع پیدا می کند. در یکی از افشاگری ها بر علیه مدیر بانک، جرم رئیس بانک این بود که آن مدیر مبلغ زیادی از منابع بانک را به خودش بصورت قرض الحسنه وام پرداخت کرده بود. از طرف دیگر مدیر

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

بانک، تولید کنندگان را مجبور می کرد تا نرخ سود سی درصدی برای وام خود پرداخت کنند. ولی مدیربانک وام مجانی گرفته بود.

وقتی مدیر بانک مبلغ زیادی را از بانک خارج و به خودش وام بدون سود می دهد، یعنی اینکه مدیر بانک چند برابر آن مبلغ، خلق پول کرده و در جامعه پخش کرده است. از طرف دیگر دریافت سود چند برابر از تولید کننده موجب ورشکستگی تولید کننده می شود. وقتی در جامعه پول زیادی پخش شود ولی در مقابل آن تولید کالا کمتر شده باشد، در نتیجه میزان پول از میزان کالا زیادتر می شود. این امر به معنی دامن زدن به تورم است. در ضمن این کارشان باعث ورشکستگی بانکها می شود که شده است. اگر به ترازنامه های بانکهای تجاری در سالهای اخیر توجه شود، به فاجعه بار بودن این موضوع می توان پی برد. وحشتناک ترین واقعه در این زمینه این است که مدیر بانک پول را به خودش با سود صفر درصد وام می دهد. مدیر بانک که نمی تواند کار تولیدی انجام دهد. لذا این پول را به واسطه گری در بازار ارز، طلا، زمین و مسکن می پردازد. در اینجا علاوه بر تورم، بازارهای کشور را مختل می کند. که این کار را بصورت دائم دارند انجام می دهند.

موضوع مهمتر، در این قضیه، عدم کنترل بانک مرکزی بر اعمال بانکها است. بانکها، تورم را ایجاد و بازارها را مختل می کنند. ، ولی بانک مرکزی قادر نیست هیچ واکنشی از خود نشان دهد.

برای اینکه بانک مرکزی قادر باشد، تورم در جامعه را کنترل کند، باید، بانکهای تجاری فقط با نرخ بهره تعیین شده از طرف بانک مرکزی وام پرداخت کنند. در ضمن مبلغ اضافه در صندوق بانکها بصورت تنزیل مجدد و یا ذخایر احتیاطی به بانک مرکزی پرداخت شود. از این طریق بانک مرکزی قادر خواهد بود میزان خلق پول در جامعه را کنترل کند. در نتیجه تنها راه کنترل خلق پول توسط بانک مرکزی، ابزار تعیین نرخ بهره بانکی است، که توسط فرمول های پیچیده ریاضی معین می شود.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

در اینجا یک پارادوکس بوجود می آید، پس تکلیف، پرداخت وام قرض الحسنه به مردم بابت، نیاز های ضروری چه می شود. در ضمن اگر این نرخ تعیین شده بانک مرکزی بیشتر از نرخ سود تولید کنندگان باشد، موضوع پرداخت دو برابر و سه برابر ، نرخ سود بانکی نسبت به سود واحدهای تولیدی چه می شود؟ پاسخ این است که بانک مرکزی برای آن دو هدف باید نهادهای دیگری تأسیس کند. چون تحقق این دو هدف توسط بانک های تجاری امکان ندارد.

در دنیای امروزی برای تحقق اهداف عالیه اسلام که هدفی کاملاً عقلایی است، نهادهای دیگری بوجود آورده اند.

که عبارت است از :

الف- در دنیای امروز بانکهای مرکزی کشورها برای پرداخت وامهای ضروری به مردم ، بانکهای قرض الحسنه را تأسیس و راه اندازی کرده اند. موفق ترین بانک در این زمینه، راه اندازی گرامین بانک است. این بانک ابتدا در کشورهای ، بنگلادش، هند و مالزی شروع بکار کرد. سپس شیوه عمل آن به همه کشورها گسترش یافت. در کشور ایران هم صندوق مهر امام رضا (ع) تشکیل شد، ولی بدلیل عدم توانایی بانک مرکزی برای پشتیبانی از این صندوق ، کار موثری از این صندوق شاهد نبوده ایم.

شیوه اجرایی گرامین بانک بدین گونه است، بانک ابتدا، صندوق های قرض الحسنه ای را در میان گروه های مختلف مردم راه اندازی می کند. مانند همین صندوق های قرض الحسنه فامیلی که در ایران رایج است. این صندوق های قرض الحسنه فامیلی، از اعضای خود یک پولی بعنوان سپرده اولیه دریافت و به نوبت به اعضای خود وام پرداخت می کند. گرامین بانک برای تقویت این صندوق های فامیلی، ابتدا، برای هر یک از اعضا و صندوق، یک حساب باز می کند. در نتیجه ، گردش مالی صندوق های فامیلی از طریق گرامین بانک انجام می گیرد. گرامین بانک از طریق نگهداری حساب مشتریان مبلغی پول در صندوق خود دارد. در ضمن بانک

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

مرکزی هم مبلغی، بعنوان کمک، به گرامین بانک پرداخت می کند. در اینجا گرامین بانک می تواند این صندوق های قرض الحسنه فامیلی را تقویت کند. در حالت قبلی اگر صندوق فامیلی بیست عضو داشته باشد و هر بیست ماه نوبت وام به یک نفر می رسید. با کمک بانک مرکزی و گرامین بانک، صندوق های فامیلی پول بیشتری در اختیار دارند، لذا هر شش ماه نوبت وام به یک نفر می رسد. با پشتیبانی بانک مرکزی پرداخت وامهای خرد و ضروری گسترش می یابد. بطوریکه افراد برای دریافت وامهای ضروری مثل ازدواج، بیکاری و یا بیماری دیگر به بانکهای تجاری مراجعه نمی کنند. در ضمن کلیه صندوق های فامیلی هم تحت کنترل غیر مستقیم بانک مرکزی کار می کنند. در ضمن اگر کسی بیماری، بیکاری، ازدواج و یا هر مشکلی داشته باشد، دولت علاوه بر آن وام نوبتی که در صندوق قرض الحسنه متداول است، می تواند مبالغی را به افراد، نیازمند از طریق همین صندوقها پرداخت کند.

در ایران هم صندوق قرض الحسنه مهر امام رضا(ع) با اهدافی نزدیک به گرامین بانک تشکیل شد، ولی موفق نشد. در ضمن صندوق های قرض الحسنه فامیلی هم مورد بی مهری بانک مرکزی قرار گرفت.

لذا برای گسترش وام قرض الحسنه باید صندوق قرض الحسنه مهر امام رضا (ع) و صندوق های قرض الحسنه فامیلی را تقویت کرد. ملزم کردن بانکهای تجاری به پرداخت وام قرض الحسنه نمی تواند درست باشد. چون بانکهای تجاری چنین ظرفیتی ندارند.

ب- برای اینکه میزان سود دریافتی پول متناسب با نرخ سود تولید کنندگان باشد، در دنیای امروزه نهاد بورس یا بازار سرمایه تشکیل شده است. در بازار سرمایه، افراد با خرید سهم، مبلغ سودی که دریافت می کنند معادل همان سود کارخانه یا واحد تولیدی است. نهاد بورس در کشور ایران مشکلاتی دارد که در توضیح نهاد بورس عنوان می شود.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

ج- حال مسئله این است که بانکها چگونه به مشتریان خود وام بدهند؟ پاسخ این است که وام های بلند مدت تولید کنندگان از طریق بورس تأمین اعتبار می شود. مشتریان فقط برای وامهای کوتاه مدت به بانک ها مراجعه می کنند. از آنجایی که هر واحد تولیدی در پایان سال یک ترازنامه دارد که میزان سود و زیان او در سال گذشته مشخص است. واحدهای تولیدی تنها برای وام های کوتاه مدت به بانکها مراجعه می کنند. در نتیجه بانکها با دریافت ترازنامه واحد تولیدی میزان سود دهی واحد تولیدی را در سال قبل می دانند. حدس بانک این است که واحد تولیدی در سال جاری و سال آینده نرخ سودی مشابه سالهای گذشته داشته باشد. پس اگر نرخ بهره بانکی کمتر یا مساوی نرخ سود تولید کننده باشد، به او وام کوتاه مدت پرداخت می کند، در غیر اینصورت از پرداخت وام امتناع می ورزد. اگر این واحد تولیدی اصرار بر دریافت وام داشته باشد، به بانک مرکزی مراجعه می کند اگر بانک مرکزی تشخیص دهد که فعالیت، این واحد تولیدی به نفع جامعه است و نرخ سود دهی این واحد تولیدی کمتر از نرخ بهره بانکی است. در این صورت تقبل می کند که اختلاف این دو سود را پرداخت کند.

در کشورهای پیشرفته امروزی معمولاً نرخ بهره بانکی بقدری پایین است که همه واحدهای تولیدی می توانند از بانک وام بگیرند و مشکلی هم نداشته باشند.

بررسی عملکرد نهاد بورس

طبق تعریف، بورس مکانی است که در آن سهام شرکتهای سهامی پذیرفته شده در بورس خرید و فروش می شود. افراد به دلایل مختلف، سهام شرکتی را می خردند و یا می فروشند. در نتیجه قیمت اسمی هر سهم با توجه به عرضه و تقاضا مشخص می شود.

در تالار بورس خریداران سهام به دو دسته تقسیم می شوند، اول: سهامداران خرد که انگیزه این سهامداران سود پایان سال است. دوم: سهامداران عمده هستند. انگیزه سهامداران عمده، بدست گرفتن مدیریت شرکت است.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

در بیشتر اوقات سهامداران برای کسب منافع خود سعی می کنند، با اقداماتی منافع سایر سهامداران را تحت شعاع خود قرار دهند. مثلاً، مدیران شرکت که معمولاً از سهامداران عمده هستند، ممکن است در یک سال بصورت صوری، سود را کمتر از مقدار حقیقی خود نشان دهند. در اینصورت سهامداران خرد، سهام خود را با قیمت نازلی واگذار می کنند. و همان مدیران، سهام، سهامداران خرد را با قیمتی اندک خریداری می کنند. این موضوع باعث می شود، سهامداران خرد از بازار بورس خارج شوند. و دیگر پول خود را به خرید سهام اختصاص ندهند. یا برعکس عمل می کنند. شرکت زیانده شده است، مدیران برای اینکه بتوانند خودشان را از این مخمصه خارج کنند، برای یکسال سعی می کنند سود شرکت را بالاتر از مقدار حقیقی آن نشان بدهند. در نتیجه سهامداران تمایل بیشتری به خرید سهام نشان می دهند. در این زمان مدیران که سهام عمده را در دست دارند، سهام خود را با قیمت بالایی واگذار می کنند و از شرکت خارج می شوند.

با این مقدمه باید نهادهایی در بورس فعال باشد تا بتواند از منافع سهامداران خرد دفاع کند. تا انگیزه مردم برای خرید سهام افزایش یابد.

در طرف عرضه سهام، بصورت خالص دو گروه فروشنده سهام هستند. اول: دولت. دولت برای انجام پروژه های عمرانی، شرکتهایی تشکیل می دهد و بعد از راه اندازی سعی می کند آنها بفروش برساند. دوم: شرکتهای دانش بنیان، این شرکتها با اختراع و ابداع یک محصول خاص سعی می کنند، سرمایه لازم برای شروع فعالیت خود از طریق بازار بورس تهیه کنند.

در حال حاضر قوانین بورس کشور ایران بگونه است که عرضه سرمایه بدرستی انجام نمی گیرد. اولین مشکل بورس، نا توانی واگذاری شرکت های دولتی است. یک سازمان خصوصی سازی وجود دارد که تا کنون توفیق چندانی در واگذاری سهام شرکتهای دولتی در بورس و غیر بورس نداشته است.

بزرگترین مشکل بورس و سازمان خصوصی سازی این است که تحت نظر بانک مرکزی فعالیت نمی کنند.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

شاید عده ای سوال کنند لزوم فعالیت بازار بورس، تحت نظر بانک مرکزی چیست؟

پاسخ این است که در حال حاضر یکی از عمده ترین عامل تورم در کشور برداشت دولت از اعتبارات بانک مرکزی برای انجام پروژه های جاری و عمرانی است. و بانک مرکزی هم هیچ ابزاری برای مهار این تورم در دست ندارد. بطور مثال ، دولت گذشته برای تأمین بودجه های عمرانی و جاری خود، به بانک مرکزی متوسل شده است. بانک مرکزی هم برای تأمین اعتبار، و جلو گیری از تورم افسار گسیخته ، مقداری اوراق قرضه به بانکها فروخته است. سر رسید اوراق قرضه در دولت جدید فرا رسیده است. دولت مجبور به باز پرداخت سر رسید شده است. این امر موجب تزریق پول از طرف بانک مرکزی به بانکها شده است. وقتی بانکها اوراق خود را نقد کرده اند، آن مبلغ را به وام اختصاص داده اند. در نتیجه تورم ۳۰ درصدی در دولت قبل به تورم ۴۰ درصدی در دولت جدید تبدیل شده است.

ولی اگر سازمان خصوصی سازی و نهاد بورس، تحت نظر بانک مرکزی باشد، در اینصورت بانک مرکزی در مقابل برداشت دولت از اعتبارات بانک مرکزی، سهام شرکتهای دولتی را دریافت می کند. بانک مرکزی برای مهار تورم سعی می کند سهام شرکتهای دولتی را در بورس بفروش برساند.

اگر بورس تحت نظر بانک مرکزی باشد، بانک مرکزی سعی می کند با تغییر قوانین مختلف و ایجاد انگیزه های مختلف، سهام شرکت های دولتی را در بورس بفروش برساند و تورم را کنترل کند. ولی در حال حاضر هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. سازمان خصوصی سازی و نهاد بورس با حاشیه های مختلف، امکان فروش سهام شرکت های دولتی را نمی دهد. در نتیجه دولت هر کاری انجام دهد، تورم در کشور سرکش تر و بیشتر می شود.

بانک مرکزی برای کنترل بازار بورس کارهای مختلفی می تواند انجام دهد. در زیریک راه حل عنوان و راه حل های دیگر به انجام مطالعات مختلف واگذار می شود.

راه حل بحران بورس

الف- بانک مرکزی یک نهاد حسابرسی تأسیس و راه اندازی کند. وظیفه این نهاد که می تواند سازمان یا موسسه باشد. حسابرسی شرکت های سهامی حاضر در بورس باشد. از این طریق بانک مرکزی قیمت حقیقی سهام را مشخص کند. از اینطریق مدیران شرکتها نمی توانند میزان سود را بیشتر یا کمتر نشان دهند. وقتی وضعیت سود و زیان شرکتها توسط نهادی بی طرف انجام گیرد، سهامداران خرد، انگیزه زیادی برای خرید، سهام شرکتها خواهند داشت.

ب- یک نهاد برای ارزیابی کارآیی مدیران توسط بانک مرکزی راه اندازی شود. قبلاً عنوان شد، انگیزه خریداران عمده سهام برای بدست گرفتن مدیریت شرکتها است. بانک مرکزی با در دست گرفتن نهاد حسابرسی شرکتها، زمینه ارزیابی عملکرد مدیران شرکتها را نیز در دست بگیرد. اگر عملکرد آنها مثبت باشد که هیچ، ولی اگر عملکرد مدیران منفی تشخیص داده شد، بتواند، با تشکیل مجمع عمومی شرکتها، زمینه تغییر اعضای هیئت مدیره را تسهیل کند. در ضمن اگر مدیری در یک شرکت کوچک موفق باشد، بتواند کاندید مدیریت شرکتهای بزرگتر شود. و اگر عملکرد مدیری منفی باشد، آن مدیر از گردونه مدیریت خارج شود.

فضای کسب و کار در ایران

یکی از مهمترین اقدام دولت و تصمیم گیرندگان برای افزایش تولید و دانش بنیان کردن تولید و افزایش اشتغال بهبود فضای کسب و کار است. فضای کسب و کار با شاخص هایی نحوه کارکرد قوانین و رفتار دولت و قوه قضائیه را در برخورد با تولید کنندگان و کار آفرینان نشان می دهد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

پروژه بررسی فضای کسب و کار Business Doing در کشورهای مختلف از سال ۲۰۰۴ در دستور کار بانک جهانی قرار گرفته است. این طرح توسط موسسه IFC، بازوی توسعه بخش خصوصی بانک، راهبری می‌شود، در این پروژه قوانین و مقررات کشورها را با هدف یافتن گلوگاه‌ها، محدودیت‌ها و موانع فعالیت بهینه بخش خصوصی بررسی می‌شود. این موسسه با تدوین شاخص‌هایی نشان می‌دهد، قانون‌گذاران، مجریان و قضات یک کشور به چه میزان فعالیت بخش خصوصی را در کشور تسهیل و یا سخت می‌کنند. شاخص کلی محاسبه شده برای ایران نشان می‌دهد که ایران در بین کشورهای جهان رتبه ۱۲۷ از ۱۸۳ را بخود اختصاص داده است. از طرف دیگر اگر محاسبه این شاخص بر اساس نمره ۱۰۰ به بهترین کشور را در نظر بگیریم. ایران توانسته نمره ۵۶ از ۱۰۰ را دریافت کند. این رتبه و شاخص از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۰ با یکسری افت و خیز در نتیجه شیوه‌های محاسباتی تقریباً یکسان بوده است. این شاخص نشان می‌دهد که قانون‌گذاران ایران طی ۱۶ سال گذشته، هیچ انگیزه‌ای برای تغییر قانون و رفتار خود نداشته‌اند. تا از این طریق بخش خصوصی بتواند سرمایه‌گذاری بیشتری برای افزایش تولید و اشتغال انجام دهد.

رتبه ۱۲۷ در شاخص کسب کار برای ایران، نشانگر، فضای مشمئزکننده، جهت کارآفرینان داخلی است. به عبارت دیگر این فضا آنقدر مسموم است، که کسی حاضر به سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در ایران نیست. مسمومیت فضای کسب و کار از طرق دیگر نیز قابل اثبات است. در ۱۰ سال گذشته نرخ خالص سرمایه‌گذاری در کشور منفی بوده است. به عبارت دیگر وضعیت قوانین، مقررات و رفتار کارمندان و قضات دولتی در ایران به گونه‌ای است که کسی رغبتی به سرمایه‌گذاری در ایران را ندارد. نه تنها رغبتی به سرمایه‌گذاری جدید در کشور وجود ندارد، که اگر کسی قبلاً سرمایه‌گذاری کرده باشد، نیز، سعی می‌کند به گونه‌ای سرمایه‌های خود را از کشور خارج کند. در ضمن این فضای مسموم کسب و کار بقدری وحشناک است که مسئولان دولتی هم که بوجود آوردنده این وضعیت هستند نیز، فراری از فضای کسب و کار خود ساخته هستند.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

بهبتر است ، رفتار قانون گذارن ، کارمندان و قضات جمهوری اسلامی ایران را با مثالی نشان بدهیم . این افراد مانند کسی هستند که یک بمب ساعتی در خانه و محله خود کار می گذارند و سپس، این فرد، تمام اموال و داراییش را بر می دارند و به خارج از کشور فرار می کند.

هر چند از سال ۲۰۰۴ تا کنون دولت های مختلفی، اعم از مسئولین دولتی، رؤسای قوه قضائیه و نمایندگان مجلس در تصمیم گیری و تشکیل این وضعیت دخیل بوده اند. ولی رفتار هر کدام از این مسئولین، تفاوتی با همتایان قبلی خود نداشته است. هرچند هر ۴ سال در کشور ایران انتخابات برگزار و تصمیم گیرندگان و مجریان، عوض شده اند، ولی رفتار همه آنها همان ضرب المثل است که گفته شد. مشاهده میدانی نشان نمی دهد هیچ مسئولی سعی کرده باشد، دارایی های خود را در کشور نگهداری کند. و یا آنرا به سرمایه گذاری مولد تبدیل کرده باشد. خرید آپارتمان در کشورهای خارجی، توسط مدیران و سرمایه داران ایرانی به درستی فضای مسمئز کننده و مسموم کسب و کار در ایران را نشان می دهد.

هر چند از سال ۱۳۹۲ در هنگام انتخابات ، مدیرانی که قصد پیروزی در انتخابات را داشته اند و به موازات آن نمایندگانی که برای نشستن بر کرسی نمایندگی مجلس مبارزه کرده اند. همگی وعده شفافیت و بهبود فضای کسب و کار را سرلوحه شعارهای خود قرار داده اند ولی در عمل سعی کرده اند کمتر به وعده های خود عمل کنند. و گاهی معکوس آن عمل کرده اند. نمونه بارز آن خرید خارجی وابستگان یکی از مسئولین تصمیم گیر است. خرید خارجی به هر نحوی، توسط وابستگان یکی از مسئولین، از نظر قانونی و شرعی جرم محسوب نمی شود و شاید عاقلانه هم نباشد که مسئولی را برای چنین کاری بازخواست و یا تنبیه کرد. ولی نفس این کار وقتیکه این مسئول قول شفافیت، مدیریت جهادی، و بهبودی فضای کسب و کار می دهد، از منظر افکار عمومی مردم که به این فرد، برای اجرای شعارهایش رأی داده بودند، غیر قابل بخشایش است. ولی به هر حال امیدواریم، مسئولین تصمیم گیر و اجرایی به وعده های خود عمل کنند.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

برای فضای کسب کار علاوه بر شاخص کلی، شاخص های حزئی نیز تعریف شده است. این شاخص ها عبارتند از:

- شاخص شروع کسب و کار : برای محاسبه این شاخص تعداد مراحل، مدت زمان، هزینه و حداقل سرمایه محاسبه می شود.

در حال حاضر دولت سیزدهم ، الکترونیکی کردن شروع کسب و کار یا اخذ مجوزها را شروع کرده است. ولی در حال حاضر با مشکلات عدیده ای روبرو است. بعضی از نهادها با الکترونیکی شدن مجوزها مخالفت می کنند. که امیدواریم هرچه زودتر موضوع الکترونیکی کردن اخذ مجوزها به پایان برسد.

- شاخص اخذ مجوزها برای ساخت یک انبار تجاری با استاندارد معین: جهت محاسبه این شاخص تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه گرفتن مجوز محاسبه می گردد.

در این قسمت موضوع برخورد شهرداری ها و دولت های محلی با کسانی که می خواهند یک کسب و کار جدید را شروع کنند، می پردازند. بهترین نوع برخورد شهرداری ها و فرمانداری ها با فعالین اقتصادی این است که اول قانون روشنی برای فعالین اقتصادی مشخص کرده باشند و دوم : کلیه مجوزهای خود را الکترونیکی کنند. کسی که می خواهد یک سوله یا انباری در حاشیه شهر احداث کند، باید با کمترین زمان ممکن درخواست خود را به شهرداری ها و فرمانداری ها اعلام و کمتر از یک هفته پاسخ روشنی از دولت های محلی دریافت کند.

البته این شاخص فقط به مراحل اعطای مجوز توسط شهرداری ها اشاره دارد. ولی در عمل گاهی این عمل آسانتر و گاهی سخت تر است. مثلا ممکن است شهرداری ها و فرمانداری ها، مکانی را بعنوان، شهرک صنعتی تعیین کنند. در اینصورت، گرفتن مجوز برای یک سوله آسان است. ولی اگر فردی تمایلی به فعالیت در شهرک صنعتی نداشته باشد. باز هم باید صدور مجوز و مکان مناسب برای او مهیا باشد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

در شهرهای مختلف، در بعضی از مکانها، امکان دریافت مجوز برای ساخت یک سوله اصلا امکان پذیر نیست. مثلا در حاشیه شهرها، زمین هایی وجود دارد، که تعدادی از آنها سند مالکیت ندارد و یا اینکه مشکل سند مالکیت دارند. بعضی از کارآفرینان که در این مکانها سرمایه گذاری کرده اند، با برخوردهای مختلفی از طرف مأموران دولتی مواجه می شوند که باعث بسته شدن کارخانه و واحد تولیدی شده است.

پیشنهاد می شود: برای آسان شدن این شاخص، همه شهرداری ها اولاً کلیه مجوز های خود را الکترونیکی و شفاف کنند. در ضمن زمین هایی برای احداث صنایع در نظر بگیرند. در ضمن شهرداری ها و فرمانداریه‌ها، کلیه زیر ساخت های حقوقی و فیزیکی را برای مکان یابی صنایع انجام دهند. تا کار آفرینان به راحتی بتوانند یک صنعت را راه اندازی کنند.

- شاخص استخدام و اخراج کارمندان - کارگران: اجزاء شاخص دشواری استخدام، شاخص انعطاف‌ناپذیری ساعت کار، شاخص دشواری اخراج، شاخص دشواری استخدام

این شاخص به قوانین و مقررات حاکم بر وزارت کار اشاره دارد. گاهی ممکن است، دولت و یا مجلس کشورها برای حمایت از کارگران، قوانینی را تصویب کنند که کارفرما برای انجام کاری به دنبال استخدام کارگر نرود. چون هزینه استخدام و اخراجش سنگین است. در اینصورت استخدام یک کارگر سخت می شود. این سختی موجب می شود، کار آفرینان به راحتی نتوانند به کار خود سرو سامان بدهند. یا در یک زمان که کارفرما می خواهد کارش را به پایان برساند، هزینه اخراج کارگر بقدری زیاد است که موجب ضرر و زیان کارفرما می شود. البته بالعکس آن هم صادق است. کارگر نمی تواند حق و حقوق خود را از کارفرما دریافت کند. گاهی کارفرمایان مبلغ کمی بابت کار به یک نفر پرداخت می کنند. در اینجا تدوین قانون کارآمد کارگر و کارفرما می تواند موثر باشد

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

لذا پیشنهاد می شود. برای یافتن نقطه تعادلی بین منافع کارگر و کارفرما بهتر است، قانون کارگر و کارفرمای کشورهایی که شاخص عملکرد بهتری دارند، مورد مطالعه قرار گیرد و قوانین وزارت کار اصلاح شود.

- شاخص ثبت اموال شرکت : شامل تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه نقل و انتقال سند در دفاتر اسناد رسمی است.

در این قسمت موضوع فرایند و هزینه ای است که افراد برای خرید ملک و زمین پرداخت می کنند. هرچه این فرایند بیشتر و هزینه بر باشد، شاخص نامناسب بودن را نشان می دهد و هرچه این فرایند و هزینه ها مناسب تر باشد، شاخص اعداد بهتری را نشان می دهد.

در حال حاضر افراد برای خرید یک زمین یا ساختمان، ابتدا به بنگاه ها مراجعه می کنند. بنگاه ها معاملات ملکی، فروشندگان و خریداران را به یکدیگر معرفی می کنند. برای این کار مبلغی دریافت و در ازاء آن قول نامه تنظیم و یک کد رهگیری به دو طرف می دهد.

سپس فروشنده باید به دستگاههای دولتی مختلفی مراجعه کند و مجوز فروش و مالیات های مختلف را پرداخت کند. بعد از آن فروشنده و خریدار به دفاتر ثبت اسناد مراجعه می کنند و سند مالکیت منتقل می شود.

در ایران با این فرمول انتقال مالکیت معمولاً مسائل و مشکلاتی بوجود می آید. مثلاً یک نفر در یک بنگاه معاملات ملکی قول نامه ای تنظیم می کند و بابت فروش ملک خود مبلغی را دریافت می کند. سپس اسناد خود را برای گرفتن مجوز های مختلف از دستگاه های دولتی دریافت می کند. در همین زمان در یک بنگاه دیگر به ایشان خبر می رسد که مشتری دیگری برای ملک شما وجود دارد. چون اسناد مالکیت در دست فروشنده است. او به یکباره ملک خود را به مشتری دومی می فروشد. در اینجا نفر اول که مقداری پول پرداخت کرده تا فروشنده مجوزها را دریافت کند، به یکباره متوجه می شود. این ملک به دیگری فروخته شده است. اینجور پرونده ها در دادگاههای کشور به فور وجود دارد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

پیشنهاد می شود، کلیه مجوزهای خرید و فروش ملک بصورت الکترونیکی صادر شود. در ضمن دریافت این مجوزها برعهده بنگاههای معاملات ملکی گذاشته شود. یعنی وقتی بنگاه مبادرت به قولنامه می کند. اسناد ملکی را تحویل فروشنده ندهد. بلکه بنگاه از طرف فروشنده وکالت دریافت مجوزهای مختلف را داشته باشد. گاهی سند مالکیت فروشنده، مشکلاتی دارد که سازمانها و دستگاههای دولتی برای صدور مجوز نیاز به مراحل طولانی مدت تری و حضور فروشنده دارند. در این صورت بنگاه قرار داد را فسخ کند، پول خریدار را به او برگرداند و سند مالکیت را به فروشنده برای رفع مشکل به فروشنده بدهد.

در ضمن باید قید شود، مسائل و مشکلات بین فروشنده و خریدار توسط بنگاه دار حل و فصل شود. اگر هر پرونده ای به هر بهانه ای به دادگاه ها ارجاع داده شد. هزینه دادگاه از بنگاهداری دریافت شود. تا از این طریق بنگاه داران قانون را بدرستی اجرا کنند.

- شاخص اخذ اعتبارات : شاخص قدرت حقوق قانونی، شاخص دقت اطلاعات اعتباری، میزان پوشش اطلاعات مالی افراد- حقیقی و حقوقی- توسط بخش دولتی و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد- حقیقی و حقوقی- توسط بخش خصوصی و بطور کلی نحوه وام گرفتن کار آفرینان از بانکها و موسسات پولی و مالی است. در این قسمت شاخص به شفافیت، دریافت و پرداخت ها در بانکها و نحوه اعطای وام به واحدهای تولیدی اشاره دارد.

در این زمینه بانکهای کشور راهی دراز تا رسیدن به وضعیت مطلوب دارند. ولی سعی در شفافیت دریافت و پرداخت ها در بانکها می تواند نوید بخش باشد.

- شاخص حمایت قضایی از سرمایه گذاران با تاکید بر حفظ حقوق سهامداران جزء شامل : شاخص میزان علنی بودن مبادلات مالی، شاخص میزان پاسخگویی مدیر، شاخص سهولت شکایت از طرف سهامدار و شاخص توان حمایت از سرمایه گذار و کلا شاخص شفافیت پولی و مالی در کشور را نشان می دهد.

توسعه اشتغال و تولید دانش بنیان

در اینجا دو موضوع باید بررسی شود. اول حمایت از سرمایه داران خرد که قبلا در مورد آن بحث شد. دومی حمایت قضایی است. در حال حاضر قوه قضائیه خیلی شلوغ است. این شلوغی از نظر تعداد پرونده و تعدد مراجعات اصلا مناسب نیست.

کاهش پرونده ها و تعدد مراجعات باید در دستور کار قرار گیرد. افزایش تعداد پرونده ها دو دلیل عمده دارد، اول : قوانین مناسب نیستند ، قانون گذار ، قانونی نوشته که ابهامات زیادی دارد، لذا امکان تخلف از آن افزایش می یابد .

دوم : عدم مبارزه با مراکز جرم خیزی . ممکن است مراکزی وجود داشته باشند ، که این مراکز دائم از آن جرمی خاص از آن حاصل می شود. اگر چنین مراکزی وجود داشته باشد، باید با آن برخورد شود

برای اینکار ، لازم است موسسه تحقیقاتی در قوه قضائیه تشکیل شود و این دو موضوع را رصد کند. و نحوه برخورد با آن را تعیین کند.

برای کاهش تعدد مراجعات به دادگاه ها، باید به الکترونیکی کردن کارها در قوه قضائیه اهتمام بیشتری شود.

پایان